



جنبشهای آزادیبخش جهان (۳)

انقلاب در آنگولا

جنبش خلق برای آزادی آنگولا «مپلا»



ترجمه: س. - بهزاد

جنبشهای آزادیبخش جهان (۳)

انقلاب در آنگولا

جنبش خلق برای آزادی آنگولا «مپلا»

ترجمه: س - بهزاد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	سرآغاز
۸	زمینه‌های تاریخی
۱۰	خط کلی سیاسی
۱۲	بازسازی ملی
۱۲	جنگ آنگولا يك درگیری بین‌المللی است
۱۲	تصمیم مبارزه مسلحانه
۱۶	جنگ آزادی بخش ملی در مستعمرات و فاشیسم پرتغال
۱۹	وضعیت اجتماعی
۲۰	جمعیت
۲۵	بهداشت
۲۶	آموزش و پرورش
۲۹	دفریسم استعماری پرتغال محکوم به شکست است
۳۰	جنگ و اوضاع بین‌المللی
۳۱	برنامه‌های با اصطلاح توسعه
۳۵	طرح کلی اقتصاد آنگولا
۳۷	کشاورزی
۴۲	ماهیگیری
۴۴	صنایع استخراجی
۴۶	صنایع تولیدی
۵۰	حمل و نقل و ارتباطات
۵۲	تجارت خارجی
۷۲	درآمد ملی
۷۲	اقتصاد و جنگ
۷۶	توضیحات

با احترام به فرمانده هوجی یا هندا (Hoji ia henda) فرزند محبوب
خلق آنگولا و رزمندۀ تهرمان مهلا، که در میدان جنگ مرد، اما در قاب تمامی
آنگولائی‌ها، برای همیشه زنده خواهد ماند.

«خوشبختانه، برای آنان که بخاطر عدالت و علیه ظلم می جنگند، برای آنان که آرزوی آزادی را دارند، عمل مسلحانه تنها یک فداکاری نیست، فقط گردایی برای زندگی‌ها نیست، فقط میدان‌های جنگ را با خون بهترین دختران و پسران خلق رنگین نمی کند، بلکه یک مناظره نیز هست، همچنین وسیله‌ای است که بواسطه آن در آینده، بعد از این که مردم به استقلال سیاسی رسیدند، برای رسیدن به آزادی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مبارزه ادامه خواهند داد.»

(دکتر آگوستینو نتو - رهبر میلا)

در ۴ فوریه ۱۹۷۰ مردم آنگولا وارد دهمین سال جنگ شدند. تحت رهبری میلا، مردم ما بخشی طولانی از راه مبارزه را با دادن قربانی‌ها و تحمل شکست‌ها و کسب پیروزی‌ها طی نمودند. آنان قهرمانانه، با قاطعیتی که تنها ناشی از اعتقاد عمیق به حقانیت خواست‌هایشان بود و با اراده‌ای تزلزل‌ناپذیر برای نبرد تا به آخر، تا کسب پیروزی، این بخش از راه مبارزه را طی کردند. این راه، با توجه به موانع طبیعی و نیز ساختگی که دشمن ایجاد می کرد و با ناشی از قصورهای خودمان بود - موانعی که با شهامت و فداکاری از میان برداشته می شدند - راهی مشکل بود.

چنین فداکاری‌هایی بناچار پاداش خواهند داشت، که برجسته‌ترین آنها

بدون تردید مشاهده نقد مخرب سلاح‌هاست (Demolishing Critique of armes) که امروزه نقاب دروغ‌ها و تقلب‌های تاریخی را می‌درد، زمان اضمحلال بنای عظیمی را که متکی بر وحشیانه‌ترین و قهقرائی‌ترین سیستم استثمار است که تاکنون خلق‌های جهان بخود دیده‌اند، نزدیک می‌سازد و افسانه‌های قرن‌ها تبلیغات را خنثی می‌کند.

مبارزات قهرمانانه خلق ما - که قرن‌ها تحت انقیاد تاریخ بود اما اکنون عامل (Agent) با ارزش و معتبر آنست - عاملی است که به مبارزه ما (رزمندگان میلا) قدرت تحرک و سرسختی، هر دو خصوصیت یک پروسه انقلابی را اعطاء می‌کند. صرف نظر از نتایج آتی، امکانات و اتحادها، هیچ قدرتی وجود ندارد که بتواند آن را قلع سازد.

از اینجهت مبارزه ما حامل نشانه‌هایی از آن دسته از حوادث تاریخی است که ضمن دادن ابعاد فوق انسانی بآنها، انسان‌ها را دگرگون می‌کنند، که ضمن سرعت بخشیدن به حرکت انسان‌ها بطرف آینده درخشان‌تر، دوره‌های تاریخی را مشخص می‌کنند.

زمینه‌های تاریخی:

مبارزه آزادی بخش ملی آنگولا، ریشه در یک سنت طولانی مقاومت در مقابل نفوذ خارجی دارد. در مدتی بیش از چهار قرن شورش‌هایی علیه اتباع و سلطه نظامی پرتغال در قسمت‌های مختلف کشور صورت می‌گرفت. اذهان عمومی مردم هنوز تحت تأثیر درس‌های تاریخی قهرمانان و رهبران مبارزی چون بولاماتادی (Bula Matadi)، گولا کیلوانژ (Ngola Kiluange)، جیندایاندی (Nginda Mbandi)، هاماووکو (Hamavoko)، اکویکوی (Ekwikwi)، ماتویاکولا (Mutu ya Kovele)، و اچی سنژ (Mwachi-senge)، کابالاتا (Kablata)، وی باندو (Mwe bando)، و ماندوم (Mandume) قرار دارد.

در اواخر قرن گذشته و در دهه دوم قرن بیستم گروهی از روشنفکران - از جمله، سیلویو فریرا (Silverio Ferreira)، پاپکسائو فرانکو (Paixao)

(Franco) کرد پروداماتا (Cordeiro da Mata)، آسپس جونیور (Assis junior) ، برای اولین بار جهت مبارزه با استعمار به آثار مکتوب (در زمینه مبارزات رهایی بخش ملی) توجه نمودند و هم آنها بودند که خطوط جنبش ملی نوین را پی ریختند.

با همین سرشت بود که اتحادیه ملی افریقا (African national league)، پیشتازی که در آن ضرورت رها ساختن روش های قانونی مبارزه علیه سیستم استعماری مورد توجه قرار گرفت، در سال ۱۹۲۹ تأسیس شد. اما بعد از جنگ جهانی دوم و خصوصاً بعد از سال ۱۹۵۳ بود که با تشکیل احزاب مخفی سیاسی، حیات سیاسی در آنگولا یک جهش واقعی را تجربه نمود.

اولین احزاب مخفی در سال ۱۹۵۴ بوجود آمدند. جنبش خلق برای آزادی آنگولا هپلا که از اجتماع گروه هایی چون حزب مبارزه متحد آنگولا پلوا و جنبش استقلال آنگولا هپا بوجود آمده بود، در دسامبر ۱۹۶۵ تأسیس شد. بعدها، در ۱۹۵۸ سازمان دیگری بنام جنبش ملی آنگولا هپنا نیز نیرو هایش را به هپلا پیوند داد.

از بدو تأسیس، هپلا در تشکیلات مخفی توده ای در شهر و روستا فعال بود.

اما در ۱۰۵۷ (P.I.D.E) پلیس فاشیست پرتغال در آنگولا، تقویت شد. در ۲۹ مارس ۱۹۵۹ پلیس ضمن دستگیری تعدادی از رهبران ملی گرا و انبوهی از افراد مظنون به یکی از بزرگترین حملات پلیسی دست زد.

یکماه بعد در ۲۶ آوریل نیروی هوایی پرتغال با تبلیغاتی پرسرو صدا در آنگولا استقرار یافت. در ارتباط با این واقعه فرماندار کل یکی از تهدید بلند آمیزترین نطق هایش را ایزاد نمود. در این نطق وی گفت: «چنانچه کشور دارای یک بنیه نظامی نباشد قابل دفاع نیست...»، همزمان، موقعی که اظهار داشت: «نشریات همانطور که انتظار داشتیم در آنگولا ظاهر شده اند...» مجبور شد اعتراف کند که آنگولا در «صلح و آرامش» بسر نمی برد.

در جولای ۱۹۵۶ موج نوینی از دستگیری ها آغاز شد که خصوصاً

رهبران هپلا و از جمله الیدو ماچادو (Ilidio machado) را فرا گرفت.

در ۸ جولای ۱۹۶۰ دکتر آگوستینو رهبر افتخاری (Honorary President) وقت میلادر لوآندا زندانی شد. مردم ایکولو (Icolo-E-Bengo)، روستای زادگاهش، علیه دستگیری او اعتراض نمودند. در قتل عام ایکولو ا بنگو سی نفر کشته و دویست نفر زخمی شدند.

در ۲۵ ژوئن همان سال پدر روحانی پیتود آندرسن (Pinto de Anderson) دکتر در الهیات، سرپرست کلیسای سراسقی لوآندا و یکی از اعضای شورای اجرایی انجمن فرهنگ آفریقائی - (Society of African Culture) که رهبر افتخاری میلا شده بود نیز دستگیر شد.

اقدامات P.I.D.E با عملیات نظامیان پرتغالی همراه بود. حملات مداوم، خانه گردی، آتش زدن خانه‌ها و شکنجه هر روز اتفاق می افتاد. ترور پلیسی بنحو موفقیت آمیزی اغلب شبکه‌های میلا را از هم پاشاند و تا حد زیادی ارتباط تشکیلات داخلی آن را با مرکزیت قطع نمود. این امر، وقتی که در سال بعد مبارزه مسلحانه آغاز گردید نتایج زیان باری باخود داشت. فقدان کادرها در داخل کشور بسیار محسوس بود.

از این واقعیت‌ها، دو نتیجه بدست می آید. اول اینکه جنبش ناسیونالیستی آنگولا که قدمت آن به آغاز قرن حاضر می رسد در نوع خود یکی از قدیمی ترین جنبش‌ها در آفریقا است. اگر بیشتر کشورهای قاره از آنگولا سبقت گرفته‌اند این امر تا حد زیادی ناشی از مشکلات لاینفک مبارزه زیرزمینی و خصلت طولانی بودن جنگ‌رہائی بخش اخیر است. ثانیاً مبارزه سیاسی قبل از جنگ آنگولا مبارزه‌ای مخفی بود که این خود، دقیقاً، آن را با مشکل روبرو می ساخت، خصوصاً اگر فقدان تجربه، چه در مردم و چه در خود جنبش ناسیونالیستی را، در آن زمان، در نظر بگیریم.

خط کلی سیاسی:

میلا تنها سازمانی است که خلق آنگولا را در مجموع نمایندگی می کند و در حال مبارزه مسلحانه علیه استعمار پرتغال و برای استقلال ملی است. مبارزه علیه تبعیضات نژادی و مذهبی و علیه قبیله گرایی (Tribalism)

و مدل گرایی (Regionalism) يك جنبه اساسی برنامه عمل هیپلا است. در آنگولائی مستقل برای همه گروه‌های قومی و عقاید مذهبی جایی وجود نخواهد داشت.

هیپلا سرگرم مبارزه با تمام عواملی است که استعمارگران برای کنترل خلق آنگولا تاکنون بکار گرفته‌اند. از آنجا که فرهنگ و سنت‌های آنگولا مقاومت يك پارچه خلق علیه اشغالگران خارجی را برمی‌انگیزند هیپلا مصمم است که آنها را بازسازی نماید.

مبارزه هیپلا يك مبارزه ضدامپریالیستی نیز هست. خلق آنگولائی نمی‌تواند دشمن عمده‌اش - رژیم استعماری پرتغال - را از متحدانش که چه از طریق ناتو و چه از طرق دیگر مستقیماً کمکش می‌کنند تا ستم نفرت‌انگیز و فئورائی‌اش را ابقاء نماید، جدا سازد.

هیپلا در مبارزه خود بوضوح بین استعمار پرتغال و خود مردم پرتغال فرق قائل است. لذا همواره اپوزوسیون پرتغال را در مبارزه‌اش علیه رژیم فاشیستی آن که هم‌اکنون بوسیله کائوتانو (Caetano) رهبری می‌شود تشویق نموده، تا آنجا که اپوزوسیون این کشور عملاً حمایتش را از حق خودمختاری و استقلال آنگولا نشان داده است.

هیپلا يك سازمان مستقل است، هیچ دلیلی برای وابستگی‌اش به این یا آن سیستم وجود ندارد، و مادام که از کمک بسیاری از کشورها و سازمان‌های ضد استعماری و پیشرو سراسر دنیا برخوردار است این امر هیچ مانعی برای تعقیب هدف‌های اساسی‌اش نیست. (O.A.U)، زامبیا، کنگو برازاویل، تانزانیا و الجزایر و نیز کشورهای سوسیالیستی بی‌دریغ از هیپلا حمایت میکنند.

هیپلا يك سیاست عملیات مستقیم هماهنگ (Coordinating Direct Action) را به همراه جنبش‌های ملی مستعمرات پرتغال - فرلیمو در موزامبیک، (P.A.I.G.C.P) در گینه بیسائو و کنفرانس سازمان‌های ملی گرای مستعمرات پرتغال (C.O.N.C.P) دنبال میکنند. هیپلا با توجه به موقعیت جغرافیائی و استراتژیک‌اش نگران مجموعه مبارزات کشورهای جنوب افریقا برای استقلال و علیه آپارتاید و تبعیض نژادی است، لذا با مبارزات جاری در افریقای

☪ سازمان وحدت افریقا (Organisation of African Unity) مترجم

جنوبی، زامبیا و نامی بیا همبستگی کامل دارد.

بازسازی ملی:

يك انقلاب پروسه پیچیده‌ایست که مستلزم دو عامل اساسی می‌باشد:

تخریب و ساختمان

موقعی که از يك طرف اقتصاد استعماری منهدم می‌گردد، از طرف دیگر ساختمان زندگی نوینی باید آغاز شود. در کنار فعالیت نظامی، سه وظیفه اصلی توجه و کوشش ملی‌گرایان را ایجاد می‌کند که عبارتند از: کشاورزی و تولیدات دستی، مراقبت‌های پزشکی و پرورش کادرها

اتحادیه ملی کارگران آنگولا (U.N.T.A) سازمان زنان آنگولا (O.M.A) و فعالین سیاسی به کمیته‌های عملیاتی (Action Committees) در بسیج مردم برای تولید، کمک می‌کنند. اما البته نه تنها مردم بلکه تمام رزمندگان هملا باید در کارهای تولیدی شرکت کنند.

مسئولیت‌های مراقبت‌های پزشکی و بهداشت با سرویس همکاری‌های پزشکی (S.A.M) است که هم‌اکنون در کشور چند پزشک، تعدادی پرستار و کمک پرستار دارد. (۱)

پرورش کادرها و افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی و نظامی رزمندگان و توده‌های مردم، مسئولیت خاص مراکز انقلابی آموزش (C.I.R) می‌باشد. هرچند این وظیفه تمامی جنبش نیز است.

(C.I.R) نه تنها باید کادرها را از نظر سیاسی و نظامی آموزش دهد بلکه بهمدادس ابتدائی نیز بایستی رهنمود بدهد. اخیراً کتابهایی جهت آغاز مبارزه برای سوادآموزی بزرگسالان آماده شده است.

نواحی وسیعی که بعد از قرن استعمار هرگز پزشک و آموزگاری در آنها دیده نشده بود، اکنون می‌توانند شاهد کوششهایی باشند که بوسیله هملا (در زمینه بهداشت و آموزش) بعمل می‌آید.

جنگ آنگولا يك درگیری بین‌المللی است:

چنان که می‌دانیم آنگولا پیشتر یکی از مستعمرات قدرت‌های بزرگ

امپریالیستی است تا مستعمره پرتغال، تمامی بزرگترین و مهمترین منابع آن تحت کنترل انحصارات بزرگ آمریکائی، انگلیسی، آلمانی، بلژیکی، ژاپنی، افریقای جنوبی و غیره قرار دارند.

تردید نیست که این امر تا حد زیادی به مشکلات جنبش رهایی بخش، که حدود را در معرض حمله نه تنها پرتغال استعمارگر بلکه قدرتهای بزرگ نیز می بیند، خواهد افزود. بعلاوه این کشورها (کشورهای امپریالیستی) حملات دوجانبه ای را (علیه ما) رهبری می کنند؛ از يك طرف، آنها به پرتغال برای ابقاء وضعیت استعماری کنونی کمک می کنند و از طرف دیگر، همزمان، از گروههای انقلابی نمای دست نشانده که عملکرد اصلی شان تخریب در فعالیت های مپلا است حمایت بعمل می آورند.

در این رابطه (دولت) کنگو کینگ شازا پار عظیمی از مسئولیتها را بردوش می کشد. مرز طولانی بین کنگو و آنگولا (از این لحاظ) کمک بزرگی باین کشور نموده است. تا کنون، به تحریک امریکا دولتهای متوالی خائن کنگو مانع آن شده اند که کشورشان بعنوان يك پایگاه لجیستکی برای مپلا مورد استفاده قرار گیرد، درحالیکه وسائل مورد نیاز مزدوران هولدن روبرتو (Holden Roberto) را تضمین می نمایند که او از آنان فقط برای برخورداری از «نعمت» تبعید پلائی (Golden exile) و قتل بی کیفی رزمندگان مپلا استفاده می کند.

بعلاوه، يك عامل ژئوپولیتیکی نیز وجود دارد که معمولا بطور کامل مورد توجه قرار نمی گیرد. آنگولا در جنوب افریقا واقع است. ناحیه ای بی نهایت غنی که به آخرین باروی سفید پوستان قاره تحت رهبری (دولت) افریقای جنوبی قدرتمند و نژادپرست و کنترل از بالای قدرتهای بزرگ امپریالیستی تبدیل شده است.

افریقای جنوبی راسیست آشکارا ادعا می کند که مرزهای شمالی اش بوسیله رودخانه کنگو یعنی شمالی ترین نقاط آنگولا مشخص می شود و از آنجا که پایگاههای مملو از هلیکوپتر و دیگر تجهیزات مدرن افریقای جنوبی هم اکنون در آنگولا دایر میشوند این فقط يك ادعا نیست.

بدون کمک امپریالیستی، برای پرتغال توسعه نیافته کاملاً غیرممکن

خواهد بود که جنگی را در سه جبهه آنگولا، گینه بیسائو و موزامبیک - دنبال کند. صرف نظر از حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، تمام سلاح‌هایی که مورد استفاده ارتش پرتغال قرار می‌گیرد از زرادخانه‌های غربی وارد می‌شود.

مجموعه کمک‌های امپریالیستی آنقدر مهم است و چنان نقش تعیین کننده‌ای دارد که هم‌اکنون متوقف ساختن جنگ به یکسال تحریم کامل اقتصادی پرتغال و مستعمرات‌اش نیاز دارد.

شوشبختانه همه عوامل خارجی نامساعد نیستند. در درجه اول، راهی که خلق آنگولا انتخاب نموده، راهی است که قبلاً وسیله پاره‌ای از خلق‌ها طی شده است. لذا، گنجینه‌ای از تجارب اندوخته شده موجود است. گرچه ویژگی‌های ملی موجب تفاوت‌های مهم سیاسی و نظامی می‌شود.

کمک‌های بین‌المللی نیز وجود دارد که گرچه مهمترین عوامل نیستند با وجود این از اهمیت فوق‌العاده برخوردارند.

اساساً، کوشش‌های بعضی از کشورهای افریقائی - خصوصاً آزامبیا، کنگو برازایل و تانزانیا که علیرغم مشکلات عظیم‌شان به آزادی خلق آنگولا کمک می‌کنند - ارزش بسیار زیادی برای پیشرفت پروسه انقلابی در آنگولا دارد. بالاخره این واقعیت که پرتغال درگیر کثیف‌ترین جنگ استعماری جهت ابقاء قهررائی‌ترین شیوه استعماری است، هرصه مانور سیاسی‌اش را محدود می‌نماید، در حالیکه وسیع‌ترین بسیج افکار عمومی جهان را بنفع مبارزات خلق‌های مستعمرات پرتغال ممکن می‌سازد.

تعمیم مبارزه مسلحانه:

بعد از گشودن جبهه شرقی، تمام شرایط برای پیروزی در انجام وظیفه عظیمی که دکتر آگوستینو تو رهبر مپلا در آغاز سال ۱۹۶۷ به دنیا خاطر نشان شد، مهیا بود: تعمیم مبارزه مسلحانه در سراسر قلمرو ملی مان. فاز نوینی در مبارزات خلق آنگولا آغاز می‌شود.

در توضیح بیشتر مشی جدید، رهبر مپلا در آغاز سال ۱۹۶۸ گفت: «نواحی

دیگر امسال (ازما) تبعیت خواهند نمود. بنحوی که دیگر جبهه‌های متعدد جنگ وجود نخواهند داشت بلکه فقط يك جبهه دشمن را در محاصره‌ای خواهد پیچاند که او را فلج و خنثی می نماید. این مقدمه‌ای برای ضربه نهائی خواهد بود (۲). او اضافه کرد که مرکز فرماندهی کل جنبش دیگر در خارج از کشور نیست بلکه اکنون در یکی از نواحی تحت کنترل مپلا فعالیت میکند. این بیان بنیادی (Fundamental statement) يك جنبه اساسی خط استراتژیکی مپلا را نشان می دهد و آن اینکه: مبارزه باید در داخل کشور گسترش یابد.

و در ۸ مه ۱۹۶۸ جنبش جبهه جدیدی را در شمال شرقی آنگولا که شامل نواحی لواندا و مالانی (Malanye) است گشود.

در ۶ ژوئن ۱۹۶۹ جبهه مرکزی بعنوان پنجمین ناحیه گشوده شد. باین ترتیب یکی از مسائل ما رهبری يك جنگ طولانی خلقی و انقلابی است که باید در سراسر قلمرو ملی مان تعمیم یابد و شهرهائی را که مخفیانه تجهیز شده و در فاز نهائی جنگ تسخیر خواهند شد فراگیرد.

مسئله دیگر گسترش جنگ چریکی است که به مراحل پیشرفته تر دیگر ارتقاء خواهد یافت بدون اینکه هیچگاه شکل چریکی خود را رها سازد. اما ممکن است سوال شود تعمیم جنگ برای چیست؟ مپلا برای این تصمیم خود سه دلیل اصلی دارد که عبارتند از:

۱- لازمست که از لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی به مراکز حساس دشمن ضربه زد.

۲- با گسترش جنگ ما دشمن را وادار به پراکندن نیروهایش خواهیم نمود. آنها از هر طرف محاصره و لذا آسیب پذیرتر خواهند شد و مجبور به دفاع استراتژیکی از خود خواهند گردید.

۳- تعمیم مبارزه مسلحانه، با انداختن تمامی خلق آنگولا در گردابی واحد، اتحاد ملی آنان را استحکام خواهد بخشید.

باین ترتیب، از نظر مپلا، پیروزی ضرورتاً مستلزم تعمیم مبارزه مسلحانه است. این بیش از يك شعار محض، يك هدف استراتژیکی و حتی تعریف فاز اخیر (مبارزه) است.

واضح است که تعمیم جنگ مشکلاتی جدی بیار می آورد که بسیاری از آنها به وسعت قلمرومان مربوط است. ۵۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع (بیش از یک سوم خاک آنگولا) تاکنون آزاد شده است که تقریباً معادل دو برابر خاک انگلیس و حدوداً معادل خاک فرانسه و در واقع ۵ برابر پرتغال استعمارگر است.

به این مشکلات کمبود کادرا نیز باید اضافه نمود این امر در کشوری که اکثریت عظیمی بیسواد از استعمار به ارث برده کاملاً طبیعی است. بهمین دلیل است که آموزش در فعالیت های مهلا و تشکیلات توده ای اش چنین اهمیتی می یابد. خوشبختانه مهلا دیگر سازمان جوانی نیست. حیات ۱۴ ساله و ۱۰ سال جنگ، باو تجارب قابل ملاحظه ای داده و اطمینان باینکه می تواند مسائل ناشی از جنگ را حمل نماید.

جنگ آزادی بخش ملی در مستعمرات و فاشیسم پرتغال:

ذکر واقعیاتی چند برای نشان دادن توسعه نیافتگی پرتغال کاملاً کافی خواهد بود. اشتغال تقریباً نیمی از جمعیت فعال آن در بخش کشاورزی، درآمد سرانه ملی معادل ۴۰۰ دلار و بیکاری مزمن، ۵۳۰ کیلووات ساعت برق برای هر واحد مصرف کننده در سال و غیره از آن جمله اند.

بعلاوه از تاریخ امضاء معاهده متوئن (Treaty of methuen) در سال ۱۹۷۳ پرتغال به قدرتهای بزرگ وابسته است. چند سال پیش دوسوم سرمایه گذاری های پرتغال مستقیم و غیرمستقیم وابسته به سرمایه های انحصاری بین المللی برآورد شده بود. این وابستگی امروز بمراتب جدی تر است. سی خانواده پرتغالی و انحصاراتشان همراه با سرمایه های بین المللی بر تمامی حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور مسلط اند و فاسدترین و حریص ترین توانگر سالاری (Plutocracy) دنیا را تشکیل می دهند.

واقعیت درگیری پرتغال در سه جبهه رهایی بخش در آنگولا، گینه بیسائو و موزامبیک موجب دگرگونی های عمیقی در اقتصاد، سیاست و دیپلماسی فاشیستی این کشور شده است.

در درجه اول این سه‌جنگ برای يك کشور كوچك و توسعه نیافته بار بسیار سنگینی است. هزینه‌های نظامی اعلام شده (از طرف دولت پرتغال) از ۲۶۸۴،۰۰۰ سنت در سال ۱۹۶۰ (۲۳/۷ درصد بودجه) به ۷ میلیون سنت در سال ۱۹۶۶ (۴۰ درصد بودجه) رسید. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۹۷۰، ۱۶/۷ میلیون سنت یعنی ۵۸٪ بودجه کشور صرف هزینه‌های ارتش فاشیستی و P.I.D.E گردد.

در حالی که هزینه‌های نظامی افزایش می‌یابد از میزان رشد تولیدات بزرگ داخلی کاسته می‌شود (رشد این بخش حتی در ۱۹۶۷، بنابر گزارش سازمان ملل کاهش یافته بود) و این بخش قادر نخواهد بود که به هدف‌های برنامه با اصطلاح توسعه نائل آید. لذا دولت پرتغال تصمیم گرفته است که در برنامه دوره (۷۳-۱۹۷۱) تجدید نظر نماید.

کشاورزی کشور طی سالها، عقب افتاده است (بعنوان يك کشور کشاورزی پرتغال يك صادرکننده بزرگ محصولات غذایی است) و کوشش‌های سطحی در زمینه آبیاری در تعدادی از املاک آلتیجو (Alentejo) در حدی نیست که موجب پیشرفت محسوسی در آن بخش باشد.

قرنهاست که موازنه داد و ستد (Trade balance) پرتغال بیشترین کسری را در اروپا نشان می‌دهد؛ موازنه پرداخت‌های (Balance of payment) پرتغال با کشورهای خارجی (با استثنای مستعمراتش) نیز همواره کسری دارد. تنها استعمار شدید مستعمرات - نشانه‌ای از فاشیسم و انعکاسی از سیاست اقتصادی فقهقرائی تحت شرایطی که بر پرتغال توسعه نیافته حاکم است - به این کشور امکان می‌دهد آنچه را که «حوزه موازنه پرداخت‌های اسکودو» نامیده می‌شود متوازن نماید. و ذخایر طلا و ارز خارجی بانک پرتغال را افزایش دهد. بدهی دولت که تا سال ۱۹۶۰ در سطح بسیار نازلی نگه داشته شده بود (نکته‌ای که فاشیسم بآن افتخار می‌کرد) به ۳۳/۶ میلیون «کونتو»*** در سال ۱۹۶۸ رسید که يك سوم آن مربوط به اعتبارات کوتاه مدت خارجی است.

✪ (Escudo) واحد پول در پرتغال - مترجم

✪ (Conto) واحد پول جاری پرتغال و برزیل معادل ۱۰۰۰ اسکودو - مترجم

اکنون با تدارك مالی ماشین عظیم نظامی، حکومت فاشیستی برای اولین بار به مقیاسی وسیع گرفتار تورم شده است. از میزان رشد تولید کاسته می شود اما وسائل پرداختها (Means of payments) هر ساله ۱۵٪ افزایش می یابد که در نتیجه قیمتها بنحوسرسام آوری بالایی رود (۵/۵ درصد در سال ۱۹۶۷، ۶/۱ درصد در سال ۱۹۶۸ و ۸ درصد بین ژوئن ۱۹۶۸ تا ژوئن ۱۹۶۹) در حالیکه بکمک PIDE دستمزدها کاملاً ثابت نگه داشته می شوند.

بحران در بخش کشاورزی آنقدر شدید است که دهقانان روستاها را تخلیه و به زاغه نشین های اطراف لیسبون و اوپورتو (Oporto) مهاجرت می کنند. مزید برتر اژدی روستاها، گریز از جنگ استعماری است. جوانان فرار می کنند، پرتغال امروز بیشترین میزان مهاجرت را در جهان داراست. آمار پرتغالی ها از آنجا که مهاجرت های مخفیانه را که بمراتب بیشتر از مهاجرت های قانونی است نشان نمی دهد، بنحو صحیحی این مسئله را منعکس نمی سازند. حتی ترکیب مهاجرت تغییر یافته، دیگر عمدتاً نه دهقانان بلکه کارگران ماهر و دانشجویان جوان اند که از جهنم سالازاری فرار می کنند.

فاشیست های پرتغال مایوسانه خود را روی پاهای قدرتهای بزرگ و عمدتاً ایالات متحده می افکنند. از آنجا که حس می کنند ممکن است جنگ استعماری یا شکست کامل آنها پایان یابد، می خواهند با کمک های امپریالیستی کشورشان را صنعتی کنند. اما کارها برفوق مراد آنها نیست. طرحهای توسعه آنان انجام نمی یابند که این موضوع با توجه به «شناشان در برابر زمان» مسئله ای خطرناک است. زیرا جنبش های آزادی بخش با گامهای بلند پیش می تازند و دنیا نمی تواند منتظر «قطار کهنه زنگ زده» پرتغال باشد. در واقع امکان ورود قریب الوقوع بریتانیا به بازار مشترک مشکلاتی عظیم (و تقریباً لاینحل) برای فاشیسم پرتغال بوجود خواهد آورد. پرتغال این امکان را ندارد که با این مجموعه همکاری کند. فرانکو نو گریرا (Franco Nogueira) وزیر امور خارجه سابق پرتغال در مصاحبه ای که با مجله آلمانی اشپگل بعمل آورد اظهار داشت که او نمی خواست کشورش وارد بازار مشترک شود تا تحت سلطه قدرتهای بزرگ قرار گیرد (۳).

درست است که پرتغال هنوز چند برگ برنده در دست دارد و هنوز

ذخایر طلا و ارزهای خارجی اش و نیز درآمدها از توریسم (۴) بالاست اما کمک متحدان اش مهم تر از همه اینهاست. در مقابل مواد معدنی و دیگر منابع استعماری، امپریالیستها انواع وسائل مدرن و کمکهای قابل ملاحظه اقتصادی و مالی را در اختیار پرتغال قرار میدهد.

اجاره پایگاههای نظامی امریکائی و فرانسوی در آزورس (Azores) و پایگاههای نظامی آلمان در «بهجا» (Bega) با وسائل جنگی پرداخت میشود. از آنجا که همه این کمکها کافی نیستند پرتغال بیش از پیش زیر چتر حمایت آفریقای جنوبی را سیست قرار میگیرد. هم اکنون پایگاههای آفریقای جنوبی در آنگولا قرار دارند. نظامیان آفریقای جنوبی با هلیکوپترها و تجهیزات مدرن دیگرشان وارد جنگ کثیف استعماری شده اند. با اینهمه آفریقای جنوبی منتظر روزی است که پرتغال از آنگولا صرف نظر کند و خود به کمک یان اسمیت های پرتغالی جانشین آن شود.

همه این مسائل صرفاً موجب ظهور تناقضات بی شماری شده است. «کائو نانوی» تازه به قدرت رسیده که هرگز اتوریته مطلق سالازار را نخواهد داشت. تمامی تضادهای منافع (حتی در صفوف فاشیستها) را بسادگی به نقطه بحرانی رسانده است. او قادر نخواهد بود که این وضع آشفته و پریشان را کنترل نماید. زیرا واقعیت اینست که پرتغال در يك دوره منحصر بفرد از تاریخش، در يك نقطه عطف تاریخی بسر می برد.

مبارزه خلاقهای استعمار زده يك عامل تسریع کننده (Catalyst) در این وضعیت پرتغال بوده است. مردم پرتغال قطعاً قادر خواهند بود که مسئولیت هایشان را بعهده بگیرند و دیگر اجازه ندهند که تاریخشان وسیله شی خانوادگی و عوامل فشار آنها نوشته شود.

وضعیت اجتماعی:

وضعیت اجتماعی آنگولا بر هیچیک از طرح های ساده طبقه بندی اجتماعی منطبق نیست. ساخت های اجتماعی بسیار متفاوت این کشور چشم گیر اند، این ساخت ها گاه درهم می آمیزند و گاه بسا یکدیگر برخورد کرده و تضادشان را

آشکار می‌کنند.

حتی بهنگام رسیدن استعمارگران جامعه در هیچ مرحله مشخصی بر نمی‌برد، زیرا در آن زمان خیز تاریخی‌اش را از يك جامعه تساوی طلب (Egalitarian community) به جامعه طبقاتی برمی‌داشت. در کنار برده‌داری «خانگی»، پول (در ابتدائی ترین شکلش)، قلمروهای شاهی وسیع سازمان‌یافته و طبقاتی و مالکیت جمعی بر زمین وجود داشت (اما زمین بطور خصوصی بهره‌برداری می‌شد). این واقعیات انعکاس‌شان را در شیوه تفکر و رسوم اجتماعی مردم یافته‌اند که همان فلسفه و رسوم طبقاتی همراه با روش زندگی وایدئولوژی تساوی طلبانه است.

آنگاه استعمار فرارسید، که آنهم ساده نبود. پرتغال در قرون پانزده و شانزده يك کشور فتودالی بود که بورژوازی تجاری در آن پایه‌عرضه‌می‌نهاد. چنانکه می‌دانیم تنها در اوائل قرن بود که پرتغال در اولین تجربه انقلاب بورژوائی‌اش موفق شد و این بار از طریق استعمار يك شیوه تولید سرمایه‌گرا و جدید در آنگولا آغاز گردید.

پویش استعمار (Dynamics of colonialism) بطور فزاینده‌ای حوزه عمل روش‌های سنتی تولید را محدود می‌کند. بنحوی که می‌توان گفت تمامی بخش‌های زندگی آنگولا تحت تأثیر و نفوذ روابط سرمایه‌داری قرار گرفته است.

حتی امروزه این مورد (تأثیر و نفوذ روابط سرمایه‌داری) در رابطه با تورم ناشی از جنگ بیشتر شده است. سرمایه‌داری با انهدام سازمان نفوذناپذیر طایفه‌ای واقعیت اجتماعی جدیدی تحت عنوان ملت می‌آفریند. جنگ نه تنها ملت نوظهور را تقویت می‌کند بلکه موجب ایجاد نیروی دموکراتیک و ملی‌گرا در مناطق آزاد شده گردیده است.

جمعیت:

در قلمرو آنگولا که ۱/۲۴۷/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد تقریباً ۵/۱

میلیون نفر زندگی می کنند. بنابراین تراکم جمعیت در آن ۵ نفر در هر کیلومتر مربع است.

بنا به آخرین سرشماری (در سال ۱۹۶۱) جمعیت کشور ۴/۸ میلیون نفر بود. جدیدترین برآوردهای پرتغالی ها این رقم را ۵/۵ میلیون نفر نشان می دهد. اما در این سرشماری ها تعداد رشد یافته مهاجرین منظور نشده، لذا ما ۵/۱ میلیون نفر را در نظر می گیریم که به نظرمان نزدیک ترین رقم به واقعیت است. از این عده ۲۷۵۰۰۰۰ نفر آفریقائی و ۳۵۰۰۰۰ نفر اروپائیانند. در ضمن ۷۰۰۰ نفر نظامی پرتغالی در این کشور اقامت دارند. اروپائیان که ۶/۹ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند عمدتاً در شهرها (۶۰ درصد) زندگی می کنند و عمدتاً از پرتغالی ها و در درجه دوم از آلمانی ها ترکیب یافته اند.

اکثریت عظیمی از جمعیت آفریقائی کشور بانتو (Bantu) هستند. چند صدهزار نفری که در جنوب و شرق آنگولا بسر می برند به گروه خوئیسان (Khoisan) تعلق دارند (که بنا به ترمینولوژی استعماری هوتن تومس Hottentots و خانه بدوشان Bushmen نامیده می شوند).

جمعیت بانتو به چند گروه بومی - زبانی تقسیم می شوند که اصلی ترین آنها از شمال به جنوب عبارتند از: کی کنگو، کیم بوندو، لونداء، چولوی (Chokwe)، آم بوندو، لوویل، بوئنداء، لوکاس (Luchaze)، کانگالا، نیانیکا - هومبی، هله لو، آمبه و وانگالی (Kwangali)

فقط جنوبیها بطور سنتی از طریق دامپروری گذران می کنند در حالیکه دیگران به زمین وابسته اند. اما در مرکز کشور تا حدی این دو نوع اقتصاد ترکیب یافته اند.

جدول زیر توزیع جمعیت در مناطق کشور را (بنا به سرشماری سال ۱۹۶۰)

نشان میدهد.

منطقه	جمعیت	مساحت (به کیلومتر مربع)	تراکم
هو آمبو	۵۹۸۴۲۱	۳۰۶۰۰	۱۹/۵۵
هو ایلو	۵۹۵۶۷۲	۱۳۲۸۰۰	۴/۳۹

بنگولا	۳۷۹۰۳۹	۳۹۰۰۰	۱۲/۵۴
بی به	۴۵۳۱۰۶	۶۲۲۰۰	۷/۳۰
مالانژ	۲۵۲۲۷۵	۱۰۵۲۰۰	۲/۲۹
کوانزاسل	۴۰۵۵۶۴	۶۲۶۰۰	۶/۲۷
یوایژ	۳۹۹۸۸۶	۲۲۷۰۰	۷/۶۰
لواندا	۳۲۹۷۶۴	۴۰۰۰۰	۸/۷۵
موکزیکو	۲۶۶۷۰۹	۱۹۸۸۰۰	۱/۳۲
کونزانتورت	۲۶۳۶۰۰	۳۲۲۰۰	۸/۱۸
لوندا	۲۲۷۲۳۰	۱۶۶۹۰۰	۱/۵۹
کواندو کوبانگو	۱۱۳۰۶۳	۱۹۲۷۰۰	۰/۵۸
زانیر	۱۰۴۰۶۱	۲۷۱۰۰	۳/۸۰
کابیندا	۵۸۶۸۰	۷۳۰۰	۸/۰۳
موکامه دس	۲۳۴۱۹	۳۴۳۰۰	۱/۳۱

مناطق جنگی کمترین جمعیت را دارند، زیرا مردم زندگی در کشور-های همسایه آنگولا را به‌ستم پرتغالیها ترجیح می‌دهند. حتی اگر آن کشور آفریقای جنوبی راسبست باشد، اکنون بعد از عملیات نظامی براندازی ارتش استعماری، بخصوص در سالهای ۶۲-۱۹۶۱ نواحی نزدیک به جبهه شمالی تقریباً بطور کامل خالی از سکنه شده است.

تا سال ۱۹۶۰ جمعیت آنگولا سالانه ۱/۶۶ درصد افزایش داشت که در مقایسه با کشورهای توسعه نیافته دیگر که این رقم در آنها بین ۳ تا ۳/۵ درصد متغیر است نرخ نازلی است. علت این پدیده در خود استعمار نهفته است: تغذیه ناکافی، فقدان مراقبت‌های پزشکی و بهداشت، شرایط بسیار بدکار و غیره.

۱۴ درصد جمعیت کشور (ازین بیش از ۲۰۰۰۰ نفر از اهالی) در شهرها زندگی می‌کنند. یعنی ۷۰۰۰۰۰ نفر که از این عده ۲۱۰۰۰۰۰ نفر اروپائی و ۴۹۰۰۰۰۰ نفر آنگولائی اند. بنابراین فقط ۱۰٪ آنگولائی‌ها در شهر زندگی می‌کنند که این مقدار میزان توسعه نیافتگی آنگولا را نشان می‌دهد. در مقایسه

با آلمان فدرال می بینیم که ۷۵٪ جمعیت این کشور شهرنشین هستند. لوند، پایتخت آنگولا ۴۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد که بیش از جمعیت مجموعاً ۱۵ شهر کشور است. هومبو (نوالیبوا) ولویتونیزبا داشتن بترتیب ۱۰۰۰۰ و ۸۰۰۰۰ نفر جمعیت شهرهای نسبتاً بزرگی هستند.

توزیع جمعیت در گروههای مختلف سنی آنگولا (در ۱۹۶۰)

عبارتست از:

بالای ۶۰ سال	۱۵ تا ۵۹	زیر ۱۲ سال
۳٪	۲۷٪	۵۰٪

بنابر این جمعیت آنگولا خیلی جوانست بهر آنب جوان ترازمثلاً «مالی» که این نسبت درصدها در آنجا بترتیب عبارتند از ۴۱، ۵۵ و ۳ درصد. این ارقام در فرانسه نیز بترتیب عبارتند از ۲۶ درصد، ۵۱ درصد و ۲۳ درصد. آمارهای پرتغالی ۴۷ درصد جمعیت ۱۵ تا ۵۹ ساله آنگولائی را از نظر اقتصادی فعال نشان می دهند. از این عده ۵۱۱۰۰۰ نفر مزد بگیراند (۲۱٪ شاغلین) و ۱۸۵۰۰۰۰ نفر باقیمانده اکثراً دهقانان فقیر هستند. در حالیکه شاغلین اروپائی در بخش سوم تمرکز یافته اند کارگران آنگولائی بیش از تمام بخشها در بخش اول کاری کنند، باین ترتیب از مجموع ۵۱۱۰۰۰ مزد بگیر، ۴۲۹۰۰۰ نفر آنگولائی (که ۲۶۰۰۰۰ یا ۵۷ درصدشان بیگاری می کنند) و ۶۱۰۰۰ نفر اروپائی اند. بطور متوسط بازا هر ۷ نفر آنگولائی يك پرتغالی در آنگولا کار میکنند. اگر بجای مزد بگیران جمعیت فعال را در نظر بگیریم نسبت درصدها بسیار متفاوت خواهند بود.

کشاورزی	۸۸/۷٪
صنایع	۵/۸٪
حمل و نقل و خدمات	۵/۵٪

یا

بخش اول	۹۰/۵٪
بخش دوم	۴٪
بخش سوم	۵/۵٪

در اینجا واقعیت‌ها دوباره به روشنی توسعه نیافتگی آنگولا را نشان می‌دهند. در جمهوری دموکراتیک آلمان دهقانان ۱۰٪ جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند و در فرانسه ۳۶٪ جمعیت فعال کارگران هستند. واضح است که استعمار پرتغال قادر نیست بدون استفاده سرشار از (نیروی کار) بیگارها که برای حسن تعبیر «کارگران قراردادی» یا کتراتادوس *Contratados* نامیده می‌شوند به حیات خود ادامه دهد.

قراردادی‌ها همانطور که دیدیم بیش از نیمی از کل کارگران آنگولا را تشکیل می‌دهند و سخت‌ترین و کم‌درآمدترین مشاغل را در بخش اول دارند. حدود ۸۰ درصد کارگران این بخش از کارگران قراردادی هستند. کارگران بیگار معمولاً به نواحی مرکزی تعلق دارند. مناطقی که دارای بیشترین تمرکز جمعیت اند - که به نواحی کشت قهوه (کونزا فورت، یوایج و گونزا سول)، شیلات سواحل (موکامدس، بنگوئلا و لواندا) و معادن اعزام شده‌اند.

دستمزدها در آنگولا در سطح نازلترین دستمزدها در آفریقا قرار دارد. یک کارگر قراردادی ۳۰۰ اسکو دو (۵) یعنی ۱۰ دلار در ماه حقوق می‌گیرد. نرخ ارزش اضافی گاهی از ۸۰ درصد تجاوز می‌کند، موردی که در شرکت الماس اتفاق می‌افتد.

تا سال ۱۹۵۵ آنگولا بالاترین نرخ بیسوادی - ۹۹٪ - را در جهان داشت.

بهداشت: بنا به اظهار منابع پرتغالی در سال ۱۹۶۳ آنگولا ۲۶۱ پزشک، ۱۹ داروساز و ۹۸۵ نرس داشت. سالنامه آماری سال ۱۹۶۳ سازمان ملل خاطر نشان می‌سازد که نسبت پزشک به بیمار در سال ۱۹۶۱ در آنگولا ۱۰۰۰:۶۷ بود. این نسبت در پرتغال با ۷/۸ و در دانمارک با ۱۲ پزشک همراه بود (در همان سال).

آمارهای پرتغالی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۹۶۷ چهار بیمارستان مرکزی، ۱۱ بیمارستان منطقه‌ای و ۳ بیمارستان منطقه‌ای جزه یعنی ۸ بیمارستان دولتی در سراسر کشور وجود داشت، علاوه بر این ۵۶ مرکز بیمارستانی روستائی و ۷ بیمارستان و «مرکز بهداشت» خصوصی نیز وجود دارند.

آنگولا فقط ۳۵ کلینیک زایمان، ۱۱ بیمارستان کودکان، ۲۶ جذامخانه و ۲۶۲ مرکز بهداشت دارد. در ۱۹۶۵ در آنگولا مجموعاً ۴۶۳۵ تخت بیمارستانی موجود بود.

منابع پرتغالی (۷) رشد تعداد پرسنل «مؤسسه بهداشت» را با جدول زیر نشان می دهند:

	۱۹۶۲	۱۹۶۳	۱۹۶۴	۱۹۶۵
پزشک	۲۶۰	۲۳۹	۲۳۸	۲۱۰
داروساز	۱۹	۱۹	۲۰	۱۸
نرس	۵۹۲	۵۲۶	۵۲۶	۵۱۰
ماما	۶۲	۷۰	۷۰	۸۱
متخصص آزمایشگاه	۸	۶	۶	۶

پرسنل این مؤسسه بجای افزایش، کاهش می یابند. در سال ۱۹۶۵ از ۲۱۰ پزشک يك سومشان درناجیه تواندا مخصوصاً در خود پایتخت زندگی می کردند. به این ترتیب اکثریت قابل توجهی از پزشکان در شهرها تمرکز یافته اند و خدمات آنها اساساً برای سفیدپوستان در نظر گرفته شده است. بهتر است بجای محاسبه ساده تعداد پزشکان برای هر ۱۰۰۰۰ نفر به میانگین های متفاوت آماری سازمان ملل در مورد تبعیض بین آنگولائی ها و پرتغالی ها توجه کنیم.

باید اضافه کرد که کیفیت معالجه برای آنگولائی ها آنقدر سطحی است که بیشتر ارزش سمبولیک دارد.

لذا عجیب نیست که درصد مرگ و میر در کودکان یکی از بالاترین نرخ های نوع خود در سراسر جهان است و امیدی به زندگی برای بیش از ۳۰ سال وجود ندارد.

آموزش و پرورش:

آموزش و پرورش آن بخش از خدمات اجتماعی است که تبلیغات

معماری با سروصدای تمام تلاش می کند در آن کار آثمی و حیات بخشی سیستم معماری پرتغال را نشان دهد.

در واقع آنگونه که آمارهای پرتغال نشان می دهند تعداد مدارس افزایش یافته و تعداد دانش آموزان مدارس ابتدائی و «مجموع های آموزشی» از ۱۰۴۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۰ به ۲۲۵۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۶ و ۳۶۳۰۰۰ نفر در ۱۹۶۷-۶۸ افزایش یافتند. در همین سال تحصیلی ۳۴۶۲۱ نفر دانش آموز دوره دوم (در دبیرستانها و مدارس حرفه ای) تحصیل می کردند. در لوآندا يك دانشگاه تأسیس شده است.

اما اجازه بدهید دقیق تر به مسائل نگاه کنیم:

۱- تنها این نکته که مردم آنگولا، قبل از اینکه پرتغالی ها پادشان بیاید که لازم است مدرسه بسازند، اسلحه برداشتند، کافی خواهد بود که عدم صلاحیت و تاریک اندیشی استعمار پرتغال را نشان دهد.

۲- با وجود این، صحیح است که تعداد مدارس افزایش یافته است اما باید تعداد فزاینده کودکان پرتغالی در آنگولا را که همه آنها به مدرسه می روند، و مقاصد تبلیغاتی آمارهای آموزش و پرورش را نیز در نظر گرفت. مجله آلمانی «اشپیگل» روی این نکته مهم تأکید نموده می نویسد: «خوزه-پین هیروداسیلوا» رئیس خدمات آموزشی آنگولا گفته است که نیمی از کودکان این کشور به مدرسه می روند اما حتی در يك «روستای نمونه» در شمال آنگولا که ۱۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد فقط ۲۰۰ کودک در حال فراگیری خواندن و نوشتن اند. (۸)

۳- حتی اگر رقم ۳۶۰۰۰۰ دانش آموز درست بود، این رقم نشان می دهد که فقط ۳۰٪ کودکان ۶ تا ۱۴ ساله در مدارس ابتدائی تحصیل می کردند و نه آنگونه که داسیلوا به روزنامه نگاران خارجی می گویند نیمی از آنها، و این نسبت هنوز نازلتر از نرخ کشورهای غیر وابسته آفریقائی، مثلاً غنا است که در آن به ۶۰ درصد می رسد.

بعلاوه دانش آموزان غنا عموماً آفریقائی هستند در حالیکه در آنگولا ۷۰ درصد بالائی از دانش آموزان پرتغالی اند. مورد دیگر، نامی بی است که جمعیت آن ۷۰ درصد جمعیت آنگولا می باشد و در همان سال تحصیلی (۱۹۶۷-۶۸)

..... دانش آموز داشته است.

۴- آموزش و پرورش در آنگولا هنوز همانست که همیشه بوده: رانستی،
پدرسالارانه، تاریک اندیشانه، ضلعلی و با کیفیتی فقیر.

۵- در دیرستان و حتی بالاتر، در دانشگاه اکثریت قابل توجهی از
محصّلین پرتغالی اند. (۱۰)

۶- «طرح موقت توسعه سالهای ۶۷-۱۹۶۵» بدو در بودجه، صرف
۵۴۰۰۰۰ کونتو در زمینه آموزش و پرورش پیش بینی نموده بود (بودجه
توسعه بزرگ) با وجود این در پایان این دوره فقط ۱۰۷۸۰۰ سنت (کمتر
از ۲٪ مقدار اختصاص یافته) مصرف شده بود. «طرح سوم توسعه ۷۳-۱۹۶۷»
۱۳۹۰۹۰۰ کونتو به آموزش و پرورش اختصاص داد.

اما کل هزینه اولین سال اجرای طرح ۷۵ درصد کمتر از مقداری بود
که بدو در طرح نظر گرفته شده بود. در سال ۱۹۶۸ بودجه ای که به آموزش
و پرورش اختصاص داشت (بودجه اجرائی) به ۳۳۴۹۰۰ رسید، مقدار مضحکی
که فقط ۴/۳ کل بودجه را تشکیل می دهد.

بودجه خاصی معادل ۱۰۰۰۰۰ کونتو به آموزش عالی اختصاص یافته
بود که در این بودجه، در مقابل ۱ سنت Cento هزینه (۱۴ لیره استرلینگ) برای
هر دانش آموز، ۷۰ سنت (تقریباً ۱۰۰۰ لیره استرلینگ) برای هر دانشجو
در نظر گرفته شده بود. (۱۱)

۷- در ۶۷-۱۹۶۶ دو سوم دانش آموزان در کلاس های آمادگی یا سال
اول بودند، کم تر از یک پنجم آنها در سال دوم و کمی بیش از ۱۰ درصدشان
در سال سوم و فقط ۷ درصد در سال چهارم ثبت نام کرده بودند. کم تر از ۵۵ درصد
دانش آموزانی که در مدارس ابتدائی تحصیل می کردند در امتحاناتشان
موفقیت بدست آوردند، و از ۱۸۵۵۰ نفر که در سال چهارم ثبت نام کرده
بودند، فقط ۴۲۷۹ نفر در امتحانات موفق شدند و مدارس ابتدائی را با تمام
رساندند. این وضع بازده ناچیز آموزش ابتدائی را که ناشی از بی علاقهگی
مقامات، کمبود معلم، بهای گزاف کتابهای درسی و غیره است نشان می دهد.

رفرمیسم استعماری پرتغال محکوم به شکست است:

در سال ۱۹۶۱ مرحله نوینی در روشهای استعماری پرتغال ظاهر شد. ماهیت استعماری پرتغال در این سال هنوز همانست که قبلاً بود و غیر از این نمی تواند باشد. استعمار پرتغال هنوز ددمنشانه، راسیستی، استثمارگرانه و مرشار از اهانت به ارزشهای انسانی است. این موضوع با جنگ‌های سلطه‌جویانه‌ای که در مستعمرات بر راه انداخته، ثابت شده است. اما بعد از آغاز مبارزه مسلحانه استعمار پرتغال مجبور شد ضمن کوشش‌های بی‌حاصل برای متوقف ساختن پیشرفت اجتناب‌ناپذیر امررهائی ملی امتیازاتی بدهد. واگذاری این امتیازات رفرمیسم استعماری Colonial Reformism نام گرفته است.

به این ترتیب در شرایط فعلی استعمار پرتغال از دو روش استفاده می‌کند. از یکطرف از جنگ بر اندازی و از طرف دیگر از «رفرمیسم استعماری». این دو روش يك هدف را دنبال می‌کنند؛ ابقاء استثمار شدید. در واقع رفرمیسم استعماری مدعی است که:

الف- اصلاحاتی در سیستم آموزشی- بگونه‌ای که هم اکنون دیدیم و نقادانه آنرا تحلیل کردیم- بعمل آمده است.

ب- عده‌ای از ماموران آنگولائی ارتقاء پیدا کرده و حقوقشان افزایش یافته است.

ج- دویاسه آنگولائی «نماینده آنگولا در مجلس پرتغال» شده‌اند.

این وضعیت به بررسی دقیق و موشکافانه نیاز دارد.

۱- ارتقاء موقعیت، برای آنگولائی‌ها نمی‌تواند در مقیاسی وسیع صورت

گیرد. زیرا این امر در تضاد با منافع خارجیانی قرار می‌گیرد که نمی‌خواهند مشاغلشان را از دست بدهند.

۲- عده‌ای مهاجر بیکار پرتغالی در آنگولا زندگی می‌کنند. اقتصاد

استعماری در موقعیتی نیست که ییکاران آنگولائی را کسه تعدادشان پیوسته
بواسطه مهاجرت از مناطق روستائی رو با افزایش است جذب نماید.
۳- از آنجا که پرتغالی ها به آنگولائی ها- حتی به نوکران شخصیشان-
اعتماد ندارند نمیتوانند آنها را در موقعیت بهتری قرار دهند.

۴- نمایندگان آنگولا در مجلس پرتغال هیچگاه بحساب نمی آیند، در
واقع هم قطاران پرتغالی آنها نیز چنین موقعیتی دارند. فاشیسم استطاعت چنین
آزادمنشی را ندارد (در هر حال این افراد را که باید در معرض قضاوت خلق
آنگولا قرار گیرند جز خائن نمیتوان شمرد).

خواهیم دید که در فرمیسم در آنگولا نمی تواند با استعمار نو مقایسه شود
و اینکه این روش کاملاً با اقداماتی که به موجب طرح قانونی (Loi Cadre)
وسیله استعمارگران فرانسوی آغاز گردید تفاوت دارد.

در حالیکه طرح قانونی (Loi Cadre) در یک دوره صلح آمیز به اجرا
در آمد، «در فرمیسم پرتغالی» در زمان جنگ ظاهر گردید. وقتی استعمارگران
یک مدرسه می سازند صدروستا را نابود می کنند. در نتیجه برای آنها کاملاً
غیر ممکن است که مردم آنگولا را تحمیق نمایند. عوارض جنگ استعماری-
هزینه های روز افزون نظامی، قتل عام مداوم و بالاخره کاهش در آمد استعمارگران-
«در فرمیسم استعماری پرتغال» را از اهمیت انداخت.

جنگ و اوضاع بین المللی:

جنگ برآمد [توده ای] جامعی را سبب شده است. در مناطقی که در
آنها مبارزه مسلحانه جریان دارد، بخش قابل ملاحظه ای از مردم به مبارزه روی
آورده اند تا زندگی نوینی را زیر پرچم میلا پی افکنند. همه آنها در کمیته های
عملیاتی (Action Commitees) - ارگان قدرت توده ها - سازمان یافته اند.
بعد از ۵ قرن سختی و مقاومت مردم آنگولا دوباره ابتکار تاریخی
Historical Initiative ساختن آینده خویش را بکار گرفته اند. آنها به
وجود نیروی بر اندازنده ستم خارجی در خود پی می برند.
در مناطقی که موقتاً تحت کنترل استعمار قرار دارند تغییراتی واقعی بوقوع

پیوسته است. تمام فعالیت‌ها به واسطه حضور انبوه نظامیان دچار وقفه میشوند. تمام اقشار مختلف مردم این مناطق، برای ارتش کار می‌کنند. ارتش استعماری جهت شستشوی منزی مردم بخصوص ضامن جنگ «روانی - اجتماعی» - بعنوان بخشی از فعالیتهای نظامی - تلاش می‌کند.

فرار از مناطق روستایی افزایش می‌یابد، بنحوی که بیکاری در شهر از نظر مقامات استعماری چنان نسبت خطرناکی یافته که اکنون یکی از «موجبات داخلی تروریسم» شده است. (۱۳)

در مناطق روستایی، دهقانان بزور بطرف روستاهای استراتژیک رانده شده و به سبک خاص آمریکائی سازمان یافته‌اند. اما این امر البته در عین حال که تولید کشاورزی را کاهش می‌دهد بر کینه مردم نسبت به متجاوزین می‌افزاید.

مهاجرین از طریق میلیشیای OPVDC (۱۴) مسلح شده‌اند. فریادهای یاس همچون زجه (ریس و تورا)ی فاشیست را میتوان شنید که می‌گویند «ما پرتغالیهای آنگولا باید از جنگ پیرامون مان با خبر باشیم و از یاس که بمعنی شروع زوال است پرهیز کنیم و مطمئن باشیم که دشمن هنوز مایوس نیست؛ که شب و روز منتظر فرصتی است تا غافلگیرمان کند. ما با خطری واقعی و جدی احاطه شده‌ایم، رهبری تروریسم از UPA به MPLA انتقال یافته است»^{۱۵} پلیس فاشیست، PIDE از وضعیت جنگی استفاده می‌کند تا یوغ ستم‌اش را بر تمام جوانب زندگی استعماری تحمیل نماید. حتی کوچکترین واحدهای ارتشی رسماً موظف‌اند که مأمورین PIDE را که کارشان جلوگیری از نافرمانیها و پاسداری از حرمت تئوری‌های استعماری است در خود بگنجانند. از آنجا که پلیس استعماری PIDE مسئول امنیت داخلی است و همچنین عملیات نظامی را رهبری می‌کند لذا همان نقشی را ایفا می‌کند که گشتاپوی آلمانی و اس‌اس در گذشته داشت.

برنامه‌های باصطلاح توسعه:

پرتغالیها عادت دارند اهداف اقتصادی‌شان را در برنامه‌های باصطلاح توسعه مطرح کنند. اولین برنامه شش‌ساله (۱۹۵۳-۵۸)، برنامه دوم شش‌ساله

(۱۹۵۹-۶۴)، برنامه موقت سه ساله (۱۹۶۵-۶۷) و بالاخره برنامه شش ساله سوم (۱۹۶۸-۷۳) را بدنبال داشت.

تحلیلی از این برنامه‌ها در درك مقاصد استعماری رهبران فاشیست پرتغال بما كمك خواهد نمود.

در اوین پیش نویس برنامه توسعه ۱۹۵۹-۶۴ آمده است: «ساخت Structure يك برنامه توسعه در کشور در حال توسعه‌ای چون آنگولامینواند دودسته از فعالیتها را در بر گیرد: فعالیتهایی که انجام امر اسکان را هدف قرار داده و فعالیتهایی که مربوط به حمایت از اسکان یافتگان است». و این بدین معنی است که مسائل اولیه دو برنامه اول، اسکان دادن سفیدپوستان مهاجر (Colonatos) و بهبود شرایط زندگی مهاجرین قدیمی است.

آغاز مبارزه مسلحانه رها تیبخش ملی در فوریه با تکانی، استعمارگران را بیدار کرد. يك استراتژی جدید اقتصادی فوراً طرح و در برنامه سوم (۱۹۶۸-۷۳) و برنامه موقت (۱۹۶۵-۶۷) بکار گرفته شد که به نقطه عطفی در مقاصد استعماری پرتغال تبدیل گردید.

استراتژی جدید، بسدوا بهره برداری سریع و همه جانبه منابع معدنی پرتغال را هدف قرار داد. پرتغال که خود فاقد امکانات اقتصادی و تکنیکی بود، بخصوص بعد از اعلام قانون بزرگ منشانه ۱۹۶۵ در دعوت از سرمایه های انحصاری برای نجات خود و تضمین تسهیلات بی سابقه برای آنان درنگ نکرد.

از آنجا که برنامه اول از هر نظر بی اهمیت است ما فقط سه برنامه دیگر را در اینجا تحلیل خواهیم کرد (مراجعه کنید به جدول شماره ۱ ضمیمه). منابع و پیشنهاد تدارك مالی دو برنامه آخر در جدول صفحه ۳۳ نشان داده شده است. اما اینها فقط برنامه هستند بین برنامه‌ها و واقعیتها همیشه دره ایست که استعمارگران عبور از آنرا غیر ممکن می بینند. به علاوه همیشه نمی توان به حد کافی مقاصد تبلیغاتی آمارهای پرتغالی را نشان داد.

در واقع در دوره ۱۹۶۵-۶۷ فقط ۲۳۲۷۰۰۰ کونتو هزینه شده بود، یعنی تقریباً يك سوم هزینه‌ای که بسدوا بمبلغ ۷۲۱۰۰۰۰ کونتو مورد نظر بود. بیش از ۶۰ درصد این مبلغ از طریق وام تأمین گردید. (۱۶) هزینه

بر نامہ ۱۹۶۷-۱۹۶۵

بر نامہ ۱۹۷۳-۱۹۶۸

عنوان	جمع بر حسب کوٹنو	درصد کل	جمع بر حسب کوٹنو	درصد کل
۱- منابع باسطلالاح پر تنالی -	۳۳۶۰۰۰۰۰	۶۰/۵	۱۳۳۶۱۰۰۰	۵۷/۳
دولتی (الف)	۱۷۵۰۰۰۰۰	۲۴/۳	۷۷۹۱۰۰۰	۳۱/۱
دولت من کزی -	۱۰۰۰۰۰۰۰۰		۲۰۰۰۰۰۰۰	
ادارہ امور مستعمرات -	۷۵۰۰۰۰۰		۵۷۹۱۰۰۰	
موسسات تجاری (ب)	۲۰۲۵۰۰		۴۸۰۰۰۰	
پیشن خصوصی (ج)	۲۶۰۷۵۰۰	۳۶/۲	۶۰۸۹۳۰۰	۲۶/۲
سرمایہ گزار بیہای اختیصاصی -	۱۶۰۷۵۰۰		۵۱۸۹۳۰۰	
فروشدہ اوراق قرضہ -	۶۰۰۰۰۰۰۰		۹۰۰۰۰۰۰	
منابع دیگر -	۴۰۰۰۰۰۰		-	
۲- منابع غیر پر تنالی -	۲۸۵۰۰۰۰۰	۳۹/۵	۱۰۶۸۴۰۰۰	۴۲/۷
جمع کل	۷۲۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۵۰۳۵۰۰۰	۱۰۰۰

هزینه قطعی		هدف اولیه	موارد
برخسب	درصد	به هزار کونتو	
هزار کونتو	هدف اولیه		
۱۸۲/۱	۷۳/۲۳	۲۴۸	تحقیقات و نقشه برداری
۳۸۳	۵۹/۸۹	۶۴۰	کشاورزی - درختکاری و دامپروری
۸۲/۷	۱۹/۶۵	۳۷۰	ماهگیری
۲۵۵/۵	۳۰/۱۰۶	۸۵۰	نیروی برق صنعت:
۱۰۳/۹	۶۹/۲۷	۱۵۰	معادن
		۱۲۱۸	صنایع جدید
		۵۰۰	شرکت در سرمایه گذاریها
۱۰۵۶/۳	۵۲/۷۳	۱۹۳۰	حمل و نقل، ارتباطات خدمات اجتماعی:
۵/۱	۲۱/۲۵	۲۴	توریسم
۹۶	۳۶/۹۶	۲۶۰	خانه سازی و توسعه
۱۰۷/۸	۱۹/۹۲	۵۴۰	آموزش و پرورش
۸۲	۳۲/۸۰	۲۵۰	بهداشت عمومی
۲۷/۲	۹۱/۳۳	۳۰	رادیو
۲۳۲۷/۲	۳۲/۹۰	۷/۲۱۰	جمع

اجرای برنامه موقت (۶۷-۱۹۶۵) در جدول صفحه ۳۴ نشان داده شده است. گرچه هدف سرمایه‌گذاری برای اولین سال برنامه توسعه سوم (۷۳-۱۹۶۸)، ۵۵۰۴۶۰۰۰ کونتو بود نخستین مبلغ تصویب شده برای هزینه به ۱۳۴۶۰۰۰۰ کونتومی رسید که بشرح زیر توزیع شد:

۶۹۵۵۰ کونتو برای حمل و نقل و ارتباطات، ۱۶۳۰۰۰ کونتو برای آموزش و پرورش ۱۴۹۰۰۰ کونتو برای صنایع استخراجی و تولیدی، ۱۴۳۰۰۰ کونتو برای کشاورزی، ۷۰۰۰۰ کونتو برای بهداشت و ۱۲۶۹۰۰۰ کونتو باقیمانده برای نیروی برق، توریسم، ماهیگیری و بازرگانی. در دسامبر ۱۹۶۹ مجدداً صرف مبلغ ناچیزی معادل ۷۰۴۰۰ کونتو مجاز اعلام شد. تقریباً ۷۰ درصد این وجوه از طریق وام تأمین گردید. ۱۷

بنا بر این «برنامه سوم» مثل برنامه‌های گذشته محکوم به شکستی فلاکت‌بار است. با وجود این از آنجا که هرکاهشی در سرمایه‌گذاری پرتغالی‌ها اساساً کل طرح را که از نظر تأکید روی استخراج معادن، (۴/۴ درصد مبلغ مورد نظر برای برنامه سوم به این بخش اختصاص یافته) توسعه زیربنائی مثل ساختن جاده، پل و فرودگاه برای مقاصد نظامی (۵/۱۴ درصد) قابل توجه است، تغییر نخواهد داد، این برنامه تصویری از هجوم انحصارات به منابع معدنی آنگولا را ارائه می‌دهد.

همچنین باید بخاطر سپرد که فقط ۹ درصد سرمایه‌گذاری‌ها به بخش کشاورزی که ۹۰ درصد جمعیت فعال در آن اشتغال دارند اختصاص یافته که این یکی از دلایل فقر زمینهای کشاورزی است که بدست مقامات استعماری نابود شده. این ۹ درصد به هیچ وجه بمنظور تسکین آلام دهقانان آنگولا در نظر گرفته نشده بلکه صرفاً بخاطر مهاجرین پرتغالی مصرف می‌شود.

در مورد منابع پرداخت، وام نقش برجسته‌ای دارد و ۵۲/۷ درصد پرداخت‌های استعمارگران از منابع خارجی تأمین می‌شود. بعلاوه سرمایه‌های بین‌المللی عمیقاً در باصطلاح منابع پرتغال تأثیر دارند.

طرح کلی اقتصاد آنگولا:

اقتصاد کشورهای وابسته از آنجا که از نیازهای کشورهای استثمارگر

پرزوی می کند. اساساً ناموزون و از ریشه بیمار است. در رشد نایز برابر بخش‌ها و نواحی مختلف این کشورها بی نظمی دیده می‌شود.

اما اجازه بدهید این مسائل را عمیق‌تر بررسی کنیم.

۱- کشاورزی بمسراتب مهمترین بخش اقتصادی آنگولا است. زیرا

اشتغال ۸۸/۷ درصد جمعیت فعال را سبب می‌شود و ۲۸ درصد تولید ناخالص ملی و ۶۶ درصد کل صادرات را تدارک می‌کند و از این گذشته، ضمن اینکه بخش بزرگتری از مواد خام صنایع بدوی موجود را تولید می‌کند که بخشی از محصولات آنها صادر می‌شود، مواد غذایی مردم آنگولا را نیز تأمین می‌نماید. از این جهت واقعیت اینست که سه چهارم کل صادرات، فرآورده‌های کشاورزی ساخته شده (Manufactured) یا بعمل نیامده (Unprocessed) است.

۲- صنایع (بانهضام حمل و نقل) فقط باعث اشتغال ۵/۸ درصد جمعیت می‌شوند و فقط ۱۱ درصد تولید ناخالص ملی (۱۹۶۶) و ۳۴ درصد کل صادرات را تدارک می‌کنند (۱۹۶۸) و به این ترتیب رشد بسیار اندکی دارند.

۳- «خدمات دینگر»، «دفاع» و «حمل و نقل و ارتباطات» موجب اشتغال ۵۵ درصد جمعیت فعال می‌شوند و ۶۱ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهند (۱۹۶۶).

۴- این واقعیت که کشاورزی ۸۸/۷ درصد جمعیت فعال را بکار می‌گیرد اما سهم آن از تولید ناخالص ملی ۲۸ درصد است نتیجه عقب افتادگی شدید است.

۵- نواحی تک محصولی از نظر کشاورزی مهم ترین نواحی هستند. زیرا در ۱۹۶۷ فقط قهوه ۴۵ درصد صادرات آنگولا را تشکیل می‌داد.

۶- حتی در صنایع معدنی تمایل اصلی متوجه بهره برداری از یک محصول تنهاست. در ۱۹۶۸ الماس، ترکیبات آهن و نفت تمامی محصولات این بخش را تشکیل می‌دهد.

۷- صنایع در واقع منحصر به ساخت محصولات کشاورزی می‌باشد (مثل شکر، روغن نباتی، مشتقات ماهی و غیره). صنایع سایرین عبارتست از فقط

يك پالایشگاه کوچک و دو کارخانه سیمان.

- ۸- مصرف نیروی مکانیکی ناچیز است. کار متکی بر قدرت عضلانی میلیون‌ها آنگولائی است که به بردگی کشیده شده‌اند.
- ۹- حمل و نقل بسیار ناقص است، در بعضی از نواحی مطلقاً هیچگونه وسیله حمل و نقل موجود نیست.

کشاورزی:

سه نوع کشاورزی در آنگولا، وجود دارد که دو نوع آن بنیادی (Fundamental) است در حالیکه سومی دارای موقعیتی بینابینی است.

۱- کشاورزی بر پایه سیستم زراعت بزرگ (عمدتاً قهوه و کف)، اساساً در دست مهاجرین و شرکت‌های استعماری قرارداد، که انبوهی از کارگران آنگولائی (معمولاً قراردادی‌ها) را بکار می‌گیرند و از شیوه‌هایی استفاده می‌کنند که گرچه پیشرفته‌تر از شیوه‌های فردی افریقائیان است اما ابتدائی است. این فرآورده‌ها تقریباً بطور کامل صادر می‌شود.

۲- کشاورزی سنتی وسیله روستائیان آنگولائی و عمدتاً جهت مصرف در جامعه صورت می‌گیرد و فقط بخش ناچیزی از آن قابل عرضه به بازار است. در این نوع کشاورزی از شیوه‌های تولیدی تاحدی بدوی استفاده می‌شود (با وسائلی چون کج بیل و خیش)، با این سیستم است که ذرت، کاساوا، ذرت خوشه‌ای، ارزن و محصولات دیگر تولید می‌شود و درختکاری صورت می‌گیرد. از آنجا که قسمت اعظم این محصولات به بازار عرضه نمی‌شود و لذا سودی برای مقامات استعماری ندارد، آمارها ارقام تولید این محصولات را نشان نمی‌دهند.

۳- محصولات چوب پنبه و تنباکو مستقیماً وسیله روستائیان آنگولا تولید می‌شود، اما این کار تحت فشار مقامات پرتغالی صورت می‌گیرد. این محصولات به قیمت فوق‌العاده نازلی که وسیله مقامات مستعمره تعیین می‌شود، به شرکت‌های استعماری و تجاری پرتغال فروخته می‌شود.

کشاورزی آنگولا تقریباً به‌طور کامل فاقد آبیاری، زهکشی، کود



شیمیائی و یا حیوانی، دفع آفات و ماشین آلات مدرن کشاورزی است. تحقیق علمی نیز (در این زمینه) تقریباً به عمل نمی آید. بنا به اطلاعات حاصله از منابع پرتغالی کل زمین های زیر کشت آنگولا تقریباً ۲/۵ میلیون هکتار است که به شرح زیر به کشت محصولات مختلف اختصاص یافته اند:

هکتار	۶۰۰۰۰	بنیه	هکتار	۸۰۰۰۰۰	ذرت
»	۴۵۰۰۰	گندم	»	۸۰۰۰۰۰	کسوا
»	۱۱۰۰۰	تباکو	»	۵۲۵۰۰۰	قهوه
»	۹۰۰۰	نیشکر	»	۱۵۰۰۰۰	ارزن هندی
»	۳۰۰۰۰	محصولات دیگر	»	۱۳۰۰۰۰	کنف

حدود ۱/۸ میلیون نفر در آنگولا به زراعت مشغول اند. به طور متوسط هرزارع روی زمینی معادل ۱/۴ هکتار کار می کند که به وضوح رقمی ناکافی است. این ۲/۵ میلیون هکتار معادل ۲ درصد کل زمین های زیر کشت آنگولا است و این یکی دیگر از نشانه های توسعه نیافتگی آنگولا است. بیش از نیمی از کل مساحت بعضی از کشورهای بسیار پیشرفته اروپائی زیر کشت است. دلیل بیشتر نبودن سطح زیر کشت آنگولا نه فقط کمبود نیروی انسانی بلکه خصوصاً فقدان مکانیزاسیون است.

محصولات:

پراکندگی: نقشه اقتصادی صفحه ۳۸ پراکندگی محصولات اصلی در نواحی مختلف کشور را نشان می دهد.
تولید: بازده فرآورده های کشاورزی بر حسب تن بشرح زیر است:

فرآورده	سال ۱۹۶۰	۱۹۶۳	۱۹۶۶
قهوه	۱۶۰۵۵۷	۱۶۸۲۸۷	۲۲۵۶۸۰
کنف	۳۶۰۰۰	۶۰۰۰۰	۶۰۰۰۰
ذرت	۳۴۰۰۰۰	۲۶۰۰۰۰	۱۳۱۰۰۰
پنبه	۱۹۱۳۹	۱۳۷۰۰	۲۰۳۶۰
لوبیا	۱۳۰۰۰	۱۱۰۰۹	۱۴۹۹۰
تنباکو		۵۰۰۰	۷۰۶۵
برنج		۱۸۶۵۰	۱۸۵۰۰
گندم	۲۲۷۱۰	۲۷۳۳۵	۲۰۳۸۰
نیشکر	۶۴۰۰۰۰	۶۴۷۶۶۸	۷۱۲۵۱۲
کاساوا	—	—	—
روغن نخل	—	—	—

تولید تمامی فرآورده‌های کشاورزی آنگولا نه تنها افزایش نمی‌یابد بلکه را کدمانده یا از میزان آن کاسته می‌شود، غیر از پنبه که در هر حال هم اکنون انحصاراً موقعیتی را دارد که قبلاً کنف داشت. در واقع تولید کنف، بعد از شکوفائی سالهای ۶۳-۱۹۶۱ به دلیل سقوط مصیبت‌بار قیمت آن در بازار جهانی، کاهش داده شد.

تولید قهوه بعد از رسیدن به حداکثر ۲۰۰ تن، از آنجا که ممکن بود هیچگونه بازار خارجی نداشته باشد ثابت نگه داشته شده است.

در نتیجه هر تغییر دیگری در درآمد حاصله از قهوه به تغییر قیمت بستگی خواهد داشت تا توانا تولید. خطرناکتر از اینها کاهش فرآورده عمده ذرت، گندم و غیره است. میزان تولید کاساوا Cassava و روغن نخل مطلقاً نامعلوم است زیرا این تولیدات معمولاً بخارج از دور معاملات قرار دارند. علیرغم فقدان اطلاعات واقعی مشخص است که تولید نیشکر نیز سخت کاهش یافته است. لذا تصویر کلی تولید کشاورزی آنگولا تیره و تولید صنعتی صادراتی دچار وقفه است و مهمتر از آن تولید مواد غذایی واقعاً کاهش می‌یابد. بنحاطر رشد جمعیت از مقدار غذای سرانه کاسته می‌شود، و مردم تقریباً گرسنه آنگولا به خطرناکترین حالت سوء تغذیه دچار شده‌اند.

غیر از این هم نمی تواند باشد چرا که همان طور که دیدیم فقط ۹ درصد کل سرمایه گذاری ها به کشاورزی، دامپروری و درختکاری اختصاص یافته است.

بازده هر هکتار زمین: در آنگولا بازده هر هکتار زمین زراعی از تمام نقاط دنیا کمتر است. مثلاً قهوه را در نظر بگیریم. بازده آن ۳۷۰ کیلو در هر هکتار است، در حالی که در برزیل این رقم به ۵۰ کیلو در هر هکتار می رسد. محصول ذرت آنگولا از هر هکتار ۳۴۰ کیلو است و لسی در اسپانیا به ۱۶۳۰ کیلو می رسد. بازده روغن نخل در آنگولا ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلو در هر هکتار است. در حالی که در کنگو کینگشازا این رقم بالغ بر ۳۰۰۰ کیلو در هر هکتار می باشد. در این مسئله مشکل نیست زیرا استفاده نامعقول و نادرست مهاجرین از زمین به سرعت منجر به فقر خاک می شود.

مناسبات اجتماعی: ماقبلاً به این مسئله پرداخته ایم، با وجود این ذکر جزئیات بیشتری در این مورد ضروری است.

الف) - مزارع بزرگ قهوه متعلق به خارجیان، ۸۰ درصد کل محصول قهوه را تولید می کند و ۱۲۳۰۰۰۰ کارگر کشاورزی را در استخدام خود دارد.
ب) - پنبه که قبلاً تماماً وسیله دهقانان آنگولائی کشت می شد، هم اکنون حداقل ۵۰ درصد آن در دست خارجیان است. کشت توتون نیز همین پروسه را طی کرده و ۷۸ درصد تولید آن وسیله خارجیان صورت می گیرد.

نرخ سود فوق العاده بالاست و مثلاً در مورد قهوه به ۵۰ درصد می رسد. حتی در رابطه با محصولات که وسیله دهقانان آنگولائی کشت شده به - نجار پرتغالی فروخته می شود با وجود نرخ رسمی پرتغالی برای معاملات جزء تفاوت سود، تا حد بی شرمانه ای بالاست.

تولید: حجم تولید در ناحیه کابیندا حدود ۱۵۰۰۰۰ متر مکعب است. عملیات درختکاری در منطقه منوکزیکو حدود ۱۸۰۰۰۰ متر مکعب محصول می دهد. اما فعالیت های نظامی در این منطقه آنرا دچار وقفه کرده است. در هر حال بازده (کشاورزی) آنگولا در مقایسه با کشورهای دیگر آفریقا مثل گابون با ۱/۴ میلیون متر مکعب، غنا با ۱/۶ میلیون متر مکعب و ایوری کاست با ۱/۷ میلیون متر مکعب تولید کشاورزی، ناچیز است.

بهای میانگین هر کیلو

تولید	نرخ معاملات جزئی	قیمت صادرات بر حسب دلار	اختلاف	
			درصد	مطلق
پنبه	۳/۹۰	۱۷/۳۲	۱۳/۲۷	۳۲۵
برنج	۱/۷۲	۲/۳۲	۲/۶۰	۱۵۰
قهوه	۸/۰۰	۱۹/۵۶	۱۱/۵۶	۱۲۵
کاساوا خشک	۰/۶۶	۱/۷۲	۱/۰۸	۱۶۲
ذرت	۰/۸۸	۱/۷۹	۰/۹۱	۱۰۳
توتون	۵/۶۵	۱۷/۰۶	۱۱/۲۱	۲۰۰
هسته نخل روغنی	۱/۹۰	۳/۸۸	۱/۹۸	۱۰۲

یک اسکودو معادل ۱ دلار در نظر گرفته شده بنابراین ۱ دلار و ۹۰ سنت معادل ۱/۹۰ اسکودو است.

مناسبات اجتماعی: در این بخش تمام بهره‌بردارانی که بوسیله شرکت‌های استعماری مثل *Companhia de Cabinda* که بوسیله بانکهای بزرگ اداره میشود و هزاران کارگر آنگولائی را در استخدام دارد، صورت می‌گیرد. بهره‌برداران صنعتی: بهره‌برداران صنعتی فقط در آلتوکانونم بلا (واقع در منطقه بنگوئلا)، جنگلهای اوکالیپتوس بوسیله *Companhia de Celulose* برای ساختن خمیر چوب و سلولز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دامداری: ارقام زیر مربوط به سال ۱۹۶۶ است.

تعداد کل	گاو	خوک	بز	دیگر احشام
۲۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۱۱۹۰۰۰	۲۵۳۰۰۰

۵۰٪ تعداد کل گاوهای آنگولا در منطقه هوایلا که زادگاه مردم وانیا است نگهداری می شود؛ این مردم ربه داران سنتی اند. تعداد گاوها در هوایلا اخیراً به نحو قابل توجهی افزایش یافته است، زیرا تعداد زیادی از مهاجرین بور Boer از آفریقای جنوبی و نامیبیا به این منطقه آمده و شروع به دامپروری کرده اند.

مناسبات اجتماعی: دامداری که قبلاً در دست آنگولائی ها بود تدریجاً تحت کنترل مهاجرین درمی آید. در سال ۱۹۶۷ چراگاه های بزرگ مردم وانیا (در منتهای جنوب آنگولا) بار دیگر توقیف شد که پرتغالی ها آن را بین ۱۹ مهاجر تقسیم کردند، که واکنش شدید این مردم را سبب شد. ورود مهاجرین بور نه تنها نسبتها را به نفع خارجیان تغییر داد بلکه همچنین موجب آن شد که چراگاه های بیشتری از آنگولائی ها غارت گردد.

تولید: در ۱۹۶۶، ۱۲۵۳۲ تن گوشت بود (که ۲۷۵۹ تن آن به پرتغال صادر شد) و نیز ۱۰ میلیون لیتر شیر نیز صرفاً برای مصرف مهاجرین تولید شد.

ماهی گیری:

اماکن صید: ماهی گیری در آنگولا عمدتاً در سواحل جنوبی، جنوب پورتو آمبویم صورت می گیرد. در آنجا (در رابطه با صید) اثرات مفید جزایان آب سرد که منشاء آن بنگولا است کاملاً احساس می شود. مراکز اصلی صید موکامدس و بنگوئلا هستند. ماهی گیری هنوز در لواندا از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مناسبات اجتماعی: صید قبلاً در دست آنگولائی ها بود این رشته تولیدی اکنون تماماً در دست خارجیان است که با توجه به حمایتی که از طرف

دوات استعماری از آنان می‌شود و بهره‌برداری‌های سودآوری که بعمل می‌آورند ماهی‌گیران آنگولائی را خانه خراب کرده‌اند.

بحران ماهی‌گیری: مقدار ماهی صید شده از ۴۲۰۰۰۰ تن در ۱۹۶۵ به ۳۵۶۰۰۰ تن در سال ۱۹۶۴ و ۳۲۰۰۰۰ تن در ۱۹۶۱ و ۲۹۲۰۰۰ تن در سال ۱۹۶۸ کاهش یافت. این چیز است که مطبوعات استعماری آن را «بحران ماهی‌گیری» نامیده‌اند. این بحران دلایل متعددی دارد از جمله فقدان تحقیقات علمی جدی و استفاده از روش‌های بدوی ماهی‌گیری، (مثلاً فقط ۸۲۱ قایق از ۴۹۸۸ قایقی که در سال ۱۹۶۸ مورد استفاده قرار می‌گرفتند موتوری بودند) چند پارگی تولید در واحدهای کوچک، توسعه ناکافی زیرساخت (نبودن آب تازه، بندرگاه‌ها و خطوط ارتباطی ناقص) و بالاخره فقدان کادرهای فنی. با استفاده از بی‌لیاقتی مهاجرین هم‌اکنون تر است‌های بین‌المللی خصوصاً ژاپنی‌ها و آفریقایی جنوبی‌ها در حال نفوذ در این بخش جدید هستند.

صنایع استخراجی:

تولید: معادن آنگولا اغلب روبازند که ویژگی آنها مکانیزاسیون بنیاد ابتدائی و استخدام انبوهی از کارگران بیکار است.

بازده صنایع استخراجی ۱۹۶۸

مواد معدنی	مقدار بر حسب تن	قیمت بر حسب کونتو
(بر حسب قیراط) الماس	۱۶۶۶۷۱۳۳	۱۶۰۷۸۱۸
سنگ آهن	۳۲۱۸۲۱۲	۴۶۶۴۱۰
سنگ منگنز	۹۱۵۰	۳۰۰۰
نفت	۷۲۹۵۱۲	۳۵۵۱۲۲
سنگ آسفالت	۳۰۶۰۳	
نمک	۷۲۴۹۶	
جمع		۲۲۵۲۰۰۰

در دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ بازده ناخالص **Gross Output** صنایع استخراجی از ۷۴۶ هزار تن به ۲۴۵۴ هزار تن رسید یعنی رشد سالانه‌ای معادل ۱۵ درصد. این رقم میزان غارت منابع آنگولایی را نشان می‌دهد. در ۱۹۶۷ الماس، ترکیبات آهن و نفت ۹۷ درصد تولید معدنی آنگولا را تشکیل می‌دادند.

دیامانگ Diamang دولتی در دولت استعماری: در سال ۱۹۱۷ تأسیس شد. شرکت الماس آنگولا (دیامانگ) جانشین شرکت پهما Pema گردید که در سال ۱۹۱۲ تأسیس شده بود. این شرکت تحت کنترل **De Beers** یکی از انحصارات بزرگ آفریقای جنوبی که وسیله اوپنها پمردایت اداره می‌شود، قرار دارد و متکی به همکاری‌های گروه‌های دیگر آمریکائی و بلژیکی مثل بانک مورگان و **Societe General de Belgique** است.

«دیامانگ» انحصار اکتشاف و تولید در منطقه‌ای معادل ۸۱ درصد کل سرزمین آنگولا را با ۳۰۰۰۰ کارگر در اختیار دارد. منطقه وسیع تحت کنترل دیامانگ (ناحیه لواندا) واقعاً مثل یک قلمرو مستقل است که در آن این شرکت قانونی نمی‌شناسد. دیامانگ در این ناحیه «یک دولت در دولت» است.

این شرکت مثل همه شرکت‌های دیگر گروه‌های مساح مزدور خودش را دارد که نشانه سازش بین استعمار و انحصارات است.

استخراج ۱/۷ میلیون قیراط الماس (۴ تا ۵ درصد کل تولید سراسر جهان) وسیله دیامانگ. آنگولا را در صف مقدم تولیدکنندگان الماس در جهان قرار می‌دهد.

مناسبات اجتماعی: صنایع استخراجی به انحصارت بزرگ بین‌المللی تعلق دارد و دخالت شرکت‌های پرتغالی و دولت پرتغال در آنها محدود است. همان‌طور که هم‌اکنون دیدیم دیامانگ به **De Beers**، بانک مورگان و **Societe General de Belgique** تعلق دارد.

بخش اعظم سنگ آهن (از معادن «کاستینگا» در ناحیه هوایلا و معادن «وی‌یا» در ناحیه هامبو) وسیله **Companhia Mineradora De Lobitola** مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که **Krupp** - یکی از انحصارات آلمانی آن

را اداره می کند. بخش کوچکی از ذخایر آهن (معادن سا یا Saia در ناحیه مالانگ Malang) وسیله Manganes De Angola استخراج می شود که وابسته به American Bethlehem Steel است.

۴ شرکت در آنگولانفت استخراج می کنند که مهمترین آنها Cabinda Gulf Oil شعبه شرکت آمریکائی هم نامش به همراه Petrangol شعبه شرکت Belgian Petrofina متعلق به Texaco Compagnie Francaise و Caise Des petroles شعبه شرکت آمریکائی Texaco می باشند. نرخ سود: ارزش اضافی تولید المناس آن قدر بالاست که به رقم باور نکردنی حدود ۸۰۰ درصد می رسد. در مورد نفت و سنگ آهن نیز همین وضعیت به چشم می خورد.

صنایع تولیدی:

تقریباً سه چهارم کل ارزش صنایع تولیدی از صنایع مربوط به تولیدات کشاورزی ناشی می شود.

صنایع سنگین منحصراًست به دو کارخانه سیمان و يك پالایشگاه نفت به ظرفیت ۶۰۰۰۰ تن که این دو رشته نیاز به کار تکنیکی پیچیده و خاصی ندارند.

ماشین سازی، صنایع مدرن شیمیایی (سبك و سنگین)، ساخت وسایل اپتیک و ابزار دقیق و خلاصه تمام رشته های اساسی و تعیین کننده صنایع مدرن کاملاً در آنگولا ناشناخته اند.

گفتیم که افزایش بازده ناخالص صنایع تولیدی (به قیمت های موجود) حدود ۱۵ درصد در سال بود (در دوره سال های ۶۸-۱۹۶۲). البته این میزان رشد بالاست، اما نباید فراموش کرد که این محصولات صرفاً برای مصرف مهاجرین و نظامیان است. و گرنه چگونه می توان این واقعیت را توجیه کرد که علیرغم ذخایر سرشار نفت و فسفات در آنگولا برنامه به اصطلاح توسعه، ایجاد صنایع کود شیمیایی را پیش بینی نمی کند، صنایعی که بهبود سطح زندگی توده های وسیع دهقانان را ممکن می سازند.

مناسبات اجتماعی: گرچه صحیح است که سرمایه گذاری پرتغال در بخش

صنایع تولیدی (بر حسب کو فلو)

بخش	ارزش (در سال ۱۹۶۸)	%
مواد غذایی	۱۶۰۰۰۰۰	۳۲
نوشابه (آبجو و نوشابه‌های غیر الکلی)	۶۰۸۰۰۰	۱۲
مشقات نفت	۵۱۵۰۰۰	۱۰
منسوجات	۲۹۰۰۰۰	۱۰
صنایع شیمیایی (در ضمن نباتی و حیوانی و صابون)	۲۸۶۰۰۰	۷
تولیدات معدنی غیر فلزی (شیشه و سیمان)	۳۱۷۰۰۰	۶
توتون	۲۹۳۰۰۰	۶
خمیره کاغذ و کاغذ	۱۶۷۰۰۰	۳
کالاهای کاتوچوئی (لاستیک و غیره)	۱۲۷۰۰۰	۲
جمع	۴۹۱۸۰۰۰	۱۰۰

صنایع بیشتر از معادن است اما این يك واقعیت است که بخش قابل ملاحظه‌ای از این صنایع در اختیار تراست‌های بزرگ قرار دارد. این موضوع در مورد پالایش نفت که در اختیار (Petroangol Petrofina) است، لامپتیک سازی که Ruber ComPany و General Tyres و Mabor آن را در اختیار دارند و خود متعلق به لاندرو ورز و هیناچی می‌باشند، و بسیاری از رشته‌های دیگر مصداق دارد.

نیروی برق: فعالیت‌های صنعتی بستگی به استفاده کلان از نیروی برق دارد. یکی از نشانه‌های بارز توسعه نیافتگی استفاده ناچیز از نیروی برق است. در سال ۱۹۶۸ مصرف کل نیروی برق در آنگولا ۴۵۷ میلیون کیلووات بود. به‌طور متوسط سالانه ۸۳ کیلووات برای هر واحد مصرفی، در حالی که این رقم در فرانسه ۲۲۰۰ کیلووات برای هر واحد، در جمهوری دموکراتیک آلمان ۴۵۰۰ کیلووات ساعت (۱۹۶۴) برای هر واحد است. مصرف سالانه برق در هر واحد مصرفی پرتغال ۵۳ کیلووات است که پائین‌ترین رقم در اروپاست.

تدارک نیرو: ظرفیت نیروی تیدروالکتريك آنگولا عظیم است و ۵ درصد کل نیروی برق آفریقا را تشکیل می‌دهد. ظرفیت نیروی تیدروالکتريك آنگولا در شرایط تابستان به ۱۲ هزار میلیون کیلووات می‌رسد و میانگین آن در سال ۳ یا ۴ و حتی ۵ برابر می‌شود.

نیروگاه‌ها: در سال ۱۹۶۸، ۱۱۸۰ نیروگاه برق در آنگولا وجود داشت که ۱۱۱۴ دستگاه آن حرارتی و ۶۶ دستگاه آن آبی بود. ظرفیت نیروگاه‌های آبی ۲۶۸ مگاوات و نیروگاه‌های حرارتی ۹۳ مگاوات آمپر است (به ترتیب ۷۴ درصد و ۲۶ درصد ظرفیت مجموع نیروگاه‌های آنگولا را تشکیل می‌دهد).

بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی برق (۳۰ تا ۴۰ درصد آن) صرف روشنایی عمومی و مصارف خانگی می‌گردد.

مناسبات اجتماعی: دوشرکت خصوصی بزرگ تولید و توزیع نیروی برق آنگولا را در اختیار دارند که عبارتند از Sonafe در سال ۱۹۶۸ بازده آن از دو کارخانه در کام‌بامبا (رودخانه وانزا) و مابوباس (رودخانه بانکو) ۲۱۵ میلیون

کیلووات بود و شرکت *Hydro-Electrica Do Alto Catumbela* که بازده آن از نیروگاه‌های بیوپولیومام به ۸۸ میلیون کیلووات ساعت می‌رسید (هر دو نیروگاه روی رودخانه کاتوم بلا احداث شده‌اند).

تشکیل *Sonafe* در سال‌های دهه پنجاه با رسوایی اقتصادی بزرگی که گریبانگیر تعدادی از وزرا و مقامات بالای دولت سال‌ها شد، همراه بود. آفریقای جنوبی و سدهای کونن (*Kunena*): سد مائنا روی رودخانه کونن در جنوب آنگولا، آفریقای جنوبی را با بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروی برقش تدارک می‌نماید.

آنگولا کشوری توسعه نیافته است که در صدور فراوان نیروی برق افراط می‌کند.

آفریقای جنوبی می‌خواهد در مورد احداث سدهای دیگری روی همان رودخانه سرمایه‌گذاری سنگینی بنماید، هم‌چنان که هم‌اکنون مشغول احداث سد (*Gadora Bassa*) در موزامبیک است. طرح آن‌ها از این قرار است که: آن‌ها می‌خواهند در مرحله اول دو میلیون کونتو برای احداث ۳ سد خلاف جریان (*Upstream*) روی رودخانه کونن که سالانه ۱۰۰۰ میلیون کیلووات برق تولید نماید سرمایه‌گذاری نمایند، و بعداً سدهای دیگری به ارزش ۱۸/۵ میلیون کونتو نزدیک *Ruacana Falls* بسازند.

ساختمان: ساختمان شامل بخش‌هایی از قبیل ساختمان سازی، نصب خط آهن و ساختن نیروگاه‌های برقی و غیره است. در جدول صفحه ۵۰ ارقام صنعت ساختمان سازی نشان داده شده است.

با آغاز مبارزه مسلحانه ساختمان‌سازی به نحو قابل ملاحظه‌ای از رونق افتاد و متعاقباً مهاجرین دوباره به زندگی زیر سقف‌های مشترک پرداختند. اما طوفان انقلابی در نهایت، تمامی امیدهای مربوط به ابقاء سیستم استعماری را بر باد خواهد داد.

در صنعت ساختمان سازی این نکات چشم‌گیرند:

اولاً: این ساختمان‌ها فقط در محیط‌های شهری بنامی شوند در حالی که روستاها فراموش شده‌اند.

سال	سطح زیر بنا بر حسب مترمربع واحد	ارزش کونتو
۱۹۶۰	۷۶۱	۳۳۹۸۴۳
۱۹۶۱	۴۹۴	۲۷۳۲۵۴
۱۹۶۲	۳۲۰	۱۵۹۵۰۲
۱۹۶۳	۳۱۷	۱۶۳۶۴۵
۱۹۶۴	۵۴۶	۱۴۹۵۱۷
۱۹۶۵	۶۲۸	۲۱۲۷۰۳
۱۹۶۶	۹۶۳	۴۰۴۲۰۲
۱۹۶۷	۸۵۴	۵۱۰۱۰۹
۱۹۶۸	۹۲۷	۵۷۲۶۵۹

ثانیا: حتی در شهرها این ساختمان‌ها نه برای اکثریت ساکنان آنها - آفریقائیان - بلکه برای مهاجرین و شرکت‌های استعماری ساخته شده.

ثالثا: علی‌رغم حجم ظاهر خانه سازی، این ساختمان‌ها اصلا کافی نیستند. در حالیکه در سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ در سوئد و اغلب کشورهای بازار مشترک سرمایه گذاری اختصاصی روی خانه سازی به تنهایی به ۴/۸ درصد تولید ناخالص ملی رسید. در آنگولا هزینه ساختمان سازی در مجموع فقط ۱/۷۸ درصد تولید ناخالص ملی بود، وانگهی واضح است که حجم کار ساختمان سازی در کشورهای توسعه نیافته‌ای مثل آنگولا باید به مراتب بیشتر از کشورهای بسیار پیشرفته باشد.

حمل و نقل و ارتباطات:

وسایل حمل و نقل و ارتباطات در آنگولا بسیار ابتدائی هستند. آنگولا هنوز شبکه راه آهن ندارد، زیرا فقط سه خط آهن وجود دارد که هیچ يك از آنها با دیگری ارتباط ندارند این خطوط بنادر دریایی را با داخل کشور ارتباط می دهند تا خروج محصو لات داخلی را ممکن نمایند. این خطوط

خارت گری را متصور می سازند که دست های حریمش را دراز کرده است. در مجموع فقط ۲۹۳۰ کیلومتر خط آهن در آنگولا وجود دارد، یعنی ۱ کیلومتر برای هر ۱۷۲۰ نفر جمعیت و ۴۲۵ کیلومتر مربع از خاک کشور - در مقابل یک کیلومتر برای هر ۱۸۰۰ نفر و ۵۸۸ کیلومتر مربع در بلژیک و یک کیلومتر برای هر ۲۲۲ نفر و ۲۸/۶ کیلومتر مربع در ایالات متحده.

همچنین باید تأکید کرد که خطوط آهن آنگولا باریک (۱/۶ تا ۱/۰۶۷ متر در حالی که در پرتغال عرض خطوط آهن ۱/۶۰ متر است) و نیز یک طرفه هستند.

در پایان سال ۱۹۶۴ طول شبکه جاده های کشور به ۲۳۰۰۰ کیلومتر می رسد که ۳۱۰۰ کیلومتر آن آسفالت و بقیه خاکی است. هم اکنون جهت اتصال مناطق مختلفی که تمرکز مهاجرین در آن ها بالا است جاده ساخته می شود (مثلا جاده آسفالتی که از منطقه سفید پوست نشین سولا می گذرد اوآندا را با نوالیسوا پیوند می دهد). در عین حال خطوط فرعی آهن که معادن را به خطوط اصلی متصل می کند نیز ساخته می شود. اما اغلب سرمایه گذاری هادر بخش حمل و نقل، به امید عبث سرکوب مبارزه خلق آنگولا، جهت ساختن جاده های نظامی صورت می گیرد.

بنادر: سه بندر بزرگ موکامدس (Mocamedes)، لوبیتو (Lobito) و لوآندا سه انتهای خط آهن بزرگ آنگولا نیز هستند.

بنادر	تخریفات بر حسب تن در سال (۱۹۶۸)
موکامدس	۲۵۳۸۰۰۰
لوبیتو	۱۹۶۲۰۰۰
لوآندا	۱۱۴۲۰۰۰

خطوط هوایی: خطوط هوایی، اروپایی نشین عمده را به پایتخت لوآندا متصل می کند. طول این خطوط به ۱۰۰۰۰ کیلومتر می رسد و به وسیله D.A.T. شاخه ای از شرکت حمل و نقل هوایی پرتغال که به تازگی زیر نفوذ ایرفرانس قرار گرفته است اداره می شود. این شرکت دارای هواپیماهای بسیار کوچکی است که عبارتند از: سه (دا گلاس دی سی ۱۳۱ کوتا) سه (فوکر ۲۲ F فریندشیب)

تجارت خارجی: بدیهی است که تجارت خارجی يك کشور باید ساخت اقتصادی آن را منعکس نماید. تجارت خارجی آنگولا به وضوح بسیار استثمار امپریالیستی و استعماری حاکم بر این کشور، طبیعت عمیقاً انگلی استعمار پرتقال و توسعه ناچیز صنعتی و ساخت اقتصادی وابسته به زمین و تولید مواد خام را نشان می دهد.

۱- صادرات: صادرات آنگولا شامل ۱۴ محصول اصلی است که با توجه به نوسانات موجود در بازارهای جهانی در مورد موارد خام، مشکل می توان برای يك اقتصاد باثبات به آن تکیه نمود. اما اگر توجه داشته باشیم که فقط قهوه و الماس دو سوم صادرات این سرزمین را تشکیل می دهند و این که برتری نسبی این دو محصول روبه افزایش است، وخیم تر شدن اوضاع را درمی یابیم.

عامل دیگر بی ثباتی، تمرکز وسیع بازارهای جهانی است. چهار کشور امپریالیستی پرتغال، ایالات متحده، آلمان و هلند تقریباً تمام صادرات آنگولا را می خرند.

قهوه سه تنهایی نیمی از صادرات و تقریباً ۷۰ درصد صادرات کشاورزی مستعمره را تشکیل می دهد. این يك مورد نمونه تولید يك محصولی است، با همه تأثیرات شومی - مثل سوء تغذیه - که به همراه دارد. از ۱۱ کالای کشاورزی اصلی فقط دو نوع آن - ذرت و کاساوا - تماماً وسیله جوامع سنتی و بقیه در مزارع استعمار گران تولید می شود.

در سال ۱۹۶۸، ۶۱ درصد ارزش کل صادرات تولیدات کشاورزی و ۳۴ درصد باقی مانده کالاهای صنعتی را در برمی گرفت. در مقابل به ترتیب ۶۶ درصد و ۳۴ درصد در سال ۱۹۶۶.

از آنجا که بخش قابل ملاحظه ای از کالاهای صنعتی منشاء کشاورزی دارند، تقریباً ۶۹ درصد کل صادرات مواد خام و ساخته شده Processed کشاورزی هستند، در مقایسه با سال ۱۹۶۶ این نسبت را ۷۵ درصد می یابیم. این تغییرات ساختی Structural Changes به خاطر تولیدات معدنی، انعکاسی از مشی جدید سیاست اقتصادی استعماری است.

منابع معدنی ۲۶ درصد کل صادرات را تشکیل می دهند (۱۲ درصد

موازنه تجاری آنگولا

1968	1967	1966	1965	1960	وزن بر حسب تن
۲ ۱۸۲ ۶۸۹	۱ ۹۶۰ ۹۳۵	۱ ۷۱۵ ۷۲۹	۱ ۸۲۲ ۷۳۳	۱ ۲۸ ۶۰۴	صادرات
۸۱۸ ۸۹۹	۶۰۸ ۰۵۲	۵۱۴ ۱۵۰	۳۳۸ ۷۶۹	۵۲۰ ۵۰۵	واردات
۳ ۳۶۳ ۷۹۰	+ ۱/۳۵۲/۸۸۳	+ ۱ ۲۰۱ ۵۹۹	+ ۱ ۵۰۳ ۹۶۴	+ ۷۶۵ ۱۰۱	مانده موازنه
					بر حسب کونتو:
۷ ۷۹۶ ۳۶۳	۶ ۸۳۷ ۸۰۰	۶ ۳۵۹ ۳۹۰	۴ ۷۳۰ ۳۱۳	۳ ۵۶۵ ۴۹۲	صادرات
۸ ۸۲۲ ۸۲۲	۷ ۹۰۸ ۶۸۶	۵ ۹۵۷ ۶۰۶	۴ ۲۱۱ ۵۸۳	۳ ۶۶۹ ۶۱۰	واردات
- ۱۰۲۸ ۴۵۹	- ۱۰۷۰ ۸۸۶	- ۲۱۱ ۷۸۴	- ۵۱۸ ۷۳۰	- ۱۰۴ ۱۱۸	مانده موازنه

تولید	وزن بر حسب تن	ارزش بر حسب کونتو	درصد کل صادرات
قهوه	۱۸۸ ۶۴۲	۳ ۵۳۱ ۲۷۸	۴۵/۲۹
الماس (به قیراط)	۱/۵۳۰ ۲۳۴	۱ ۳۶۱ ۰۶۴	۱۷/۴۵
ذوت	۱۵۳ ۲۹۱	۲۴۵ ۲۳۰	۳/۱۴
ترکیبات آهن	۲ ۸۹۳ ۶۰۲	۶۴۵ ۳۶۹	۷/۲۷
کنف	۵۲ ۶۴۱	۲۰۱ ۷۲۰	۲/۵۹
پنبه خام	۱۰ ۸۹۹	۱۹۱ ۳۹۷	۲/۴۵
الوار	۱۳۵ ۳۹۴	۱۸۹ ۳۷۵	۲/۲۲
خورده ماهی	۴۴ ۲۰۲	۱۳۵ ۹۳۴	۱/۷۳
ماهی خشک	۱۶ ۲۵۳	۱۱۹ ۶۲۹	۱/۵۲
نفت سیاه	۲۵۷ ۱۰۶	۱۰۴ ۱۷۱	۱/۳۳
کاساواي خشک	۶۸ ۶۳۴	۹۹ ۹۹۹	۱/۲۸
خمیره کاغذ	۲۷ ۰۹۵	۷۴ ۹۶۵	۰/۹۶
توتون	۳ ۳۸۶	۷۳ ۲۳۷	۰/۹۳
روغن نخل	۱۱ ۷۱۵	۵۸ ۶۲۶	۰/۷۵
نارگیل	۱۲ ۳۴۹	۵۶ ۸۵۹	۰/۷۲
کنسرو ماهی	۳ ۴۱۸	۴۸ ۷۹۲	۰/۶۲
شکر تصفیه نشده	۱۳ ۷۲۲	۴۸ ۶۸۰	۰/۶۲
سوغت هواپیمای جت	۲۳ ۸۶۷	۲۴ ۷۳۳	۰/۵۶
گوشت تازه	۲ ۵۷۶	۲۳ ۰۷۳	۰/۵۵
موز	۱۴ ۷۰۱	۳۸ ۵۶۳	۰/۵۰
حبوبات	۱۴ ۱۶۱	۳۶ ۷۵۸	۰/۴۸
واکس خام و ساخته شده	۶۴۹	۲۸ ۷۲۶	۰/۳۷
ماهی تازه	۵ ۰۴۶	۲۳ ۵۸۵	۰/۳۵

واردات اصلی (۱۹۶۸):

درصد کل واردات	ارزش بر حسب کونتو	محصولات
۹/۹	۸۷۷ ۹۳۴	وسایل حمل و نقل و قطعات یدکی:
	۲۳۵ ۹۵۱	خصوصی
	۲۲۹ ۲۸۷	عمومی
	۱۳۱ ۱۳۷	وسایل بارکش
	۳۰ ۱۲۰	وسایل دیگر
	۱۵۱ ۳۶۲	قطعات یدکی
۹/۷	۸۶۲ ۰۴۲	آهن لخته‌ای و فولاد
۷/۶	۶۶۹ ۶۲۶	منسوجات، قماش و لباس کهنه و نو
۶/۲	۵۲۲ ۱۸۳	شراب
۲/۶	۲۳۲ ۳۳۲	دارو و آنتی بیوتیک
۲/۲	۱۹۱ ۸۶۴	لوکوموتیو، واگن و قطعات یدکی
۱/۷	۱۲۹ ۳۶۷	تراکتور
۱/۷	۱۲۵ ۹۳۱	دستگاه حفاری، گریدر و قطعات یدکی
۱/۵	۱۳۹ ۱۵۰	روغن سوخت
۱/۲	۱۲۹ ۲۲۲	گندم
۱/۳	۱۱۷ ۷۱۳	انواع موتور و قطعات یدکی
۱/۰	۹۳ ۲۵۰	روغن زیتون
۰/۹	۸۲ ۹۱۱	کفش
۰/۹	۸۲ ۶۹۹	انواع روغن جهت ماشین آلات
۰/۹	۸۱ ۷۰۰	شیشه
۰/۸	۷۷ ۸۳۲	ابزار
۰/۷	۷۳ ۲۷۹	ماشینهای تخلیه و بارگیری
۰/۷	۶۷ ۹۹۸	ماهی روغنی (Cod, Fish)
۰/۷	۶۶ ۵۶۴	شیرخشک و شیر تغلیظ شده

در سال ۱۹۶۶) و تقریباً معادل ۷۴ درصد صادرات صنعتی اند (۵۹ درصد در سال ۱۹۶۶). در سال ۱۹۶۸ صادرات محدود به الماس، سنگ آهن و نمک بود، اما الماس به تنهایی ۶۷ درصد صادرات منابع معدنی را تشکیل می داد (۸۸ درصد در سال ۱۹۶۶). ۹ درصد کل صادرات، محصولات ساخته شده هستند (۱۲ درصد در سال ۱۹۶۶) مثل آرد ذرت، ماهی، ماهی خشک و روغن نخل.

کالاهای صادراتی شامل ذرت، ماهی و مشتقات آن، روغن های نباتی، شکر، کاساوا و گوشت است که همه آنها در رژیم غذایی مردم آنگولا موادی اساسی و حتی عمده هستند. مردمی که به خاطر سوء تغذیه های وحشتناکی که به آن مبتلا هستند شدیداً به آن نیاز دارند.

در سال ۱۹۶۸ معدل سرانه صادرات ۳۸۰ اسکودو بود.

۲- واردات: واردات عمده آنگولا کالاهای مصرفی است. فقط ۳۰ درصد ارزش کل آن کالاهای سرمایه ای را در بر می گیرد و فقط بخش کوچکی از این ۳۰ درصد گسترش تولید یعنی رشد سرمایه گذاری را افزایش خواهد داد. با این حال باید اذعان نمود از آنجا که کالاهای سرمایه ای ۳۰ درصد واردات سال ۱۹۶۶ را تشکیل می دهد، پیشرفت هایی در این خصوص حاصل آمده.

قماش و شراب مدتها واردات اصلی آنگولا را تشکیل می دادند. قماش پرتقال از پنبه آنگولا و موزامبیک ساخته می شوند. درست مثل افیون در چین باستان، شراب برای خرافت کردن مردم به کار می رود. حتی امروزه شراب و قماش ضمن افزایش ارزش مطلق شان، ۱۲ درصد کل واردات را تشکیل می دهند و بالاخره کافی است خاطر نشان شویم که آنگولا ۳/۶ برابر تراکتور، شراب وارد می کند.

غیر از شراب و قماش بیشتر کالاهای وارداتی مصرفی، (اتوموبیل های مخصوصی، ماهی روغنی Godfish، پنیر، روغن زیتون، لوازم آرایش و غیره) به خاطر مهاجرین وارد می شود.

۳- قیمت ها: می دانیم که در سیستم امپریالیستی عرف مناسبات تخریبی دادوستد بر رابطه بین کشورهای توسعه نیافته تولید کننده مواد خام و کشورهای امپریالیستی صاحب کالاهای ساخته شده، سلطه کامل دارد.

بهاء میانگین صادرات و واردات (بر حسب اسکودو)

نسبت درصد	شاخص میانگین قیمت		میانگین قیمت برای		سال
	۲ به ۱	هرتن	هرتن	واردات (۱) و صادرات (۲)	
	واردات	صادرات			
۹۶/۶	۱۰۰	۱۰۰	۶۲۴۰	۵۹۳۱	۱۹۵۲
۹۶/۰	۱۱۵	۱۱۵	۷۱۴۲	۶۸۶۲	۱۹۵۳
۹۵/۳	۱۰۱	۱۰۲	۵۳۴۵	۶۰۵۰	۱۹۵۴
۹۱/۱	۱۰۱	۹۷	۶۳۴۰	۵۷۸۰	۱۹۵۵
۷۶/۵	۱۱۳	۹۱	۷۰۹۰	۵۴۲۷	۱۹۵۶
۶۶/۲	۱۱۷	۸۱	۷۲۹۵	۴۸۴۵	۱۹۵۷
۴۴/۰	۱۲۸	۶۹	۹۲۸۵	۴۰۸۲	۱۹۵۸
۴۱/۷	۱۳۸	۶۰	۸۶۵۹	۳۶۱۲	۱۹۵۹
۳۹/۳	۱۱۲	۴۵	۷۰۵۰	۲۷۷۳	۱۹۶۰
۴۲/۱	۱۱۰	۳۹	۶۹۱۸	۲۹۱۶	۱۹۶۱
۲۸/۳	۱۷۳	۵۱	۱۰۸۴۷	۳۰۷۷	۱۹۶۲
۲۰/۷	۱۹۶	۲۳	۱۲۲۶۹	۲۵۲۲	۱۹۶۳
۱۹/۸	۱۸۹	۲۹	۱۱۸۳۲	۲۳۴۰	۱۹۶۴
۲۲/۷	۲۰۸	۲۲	۱۳۰۳۶	۲۹۶۰	۱۹۶۵
۳۲/۰	۱۸۵	۶۲	۱۱۵۶۸	۳۷۰۵	۱۹۶۶
۲۶/۰	۲۰۵	۵۸	۱۳۰۰۸	۳۴۸۷	۱۹۶۷
۱۸/۲	۱۷۳	۳۱	۱۰۰۰۰	۱۸۹۰	۱۹۶۸

بینیم این قاعده چگونه در آنگولا واقعیت می‌یابد. (به جدول صفحه -
مراجعه کنید)

۴- خریداران و عرضه‌کنندگان کالا (بر اساس اطلاعات سال ۱۹۶۸)

خریداران:

پرتغال (معادل ۲۶۷۶۲۶۲ کونتو)
سهم صادرات کل آنگولا ۳۴/۳ درصد

محصولات:

(۲۱)
الماس: ۱۳۶۱۰۰۰ کونتو (کل صادرات الماس)
قهوه: ۲۲۲۶۰ کونتو (۶/۲ درصد قهوه صادراتی)
کنیف: ۱۰۶۹۹۸ کونتو (۵/۳ درصد کنف صادراتی)
ذرت: ۲۲۷۶۰۷ کونتو (تقریباً تمامی ذرت صادراتی)
ایالات متحده: (معادل ۸۵۱۹۳۳٪ کونتو)
سهم کل صادرات آنگولا ۲۳/۸ درصد

محصولات:

قهوه: ۱۸۰۱۹۹۳ کونتو (۵۱ درصد قهوه صادراتی)
هلند: (معادل ۷۷۴۷۸۵ کونتو)
سهم کل صادرات آنگولا ۹۹ درصد

محصولات:

قهوه: ۷۰۴۸۴۶ کونتو (۲۰ درصد قهوه صادراتی)
آلمان فدرال: (معادل ۴۲۶۷۶۴ کونتو)
سهم کل صادرات آنگولا - ۵/۵ درصد

محصولات:

سنگ آهن - ۲۳۰۴۴۳ کونتو (۳۵ درصد سنگ معدن صادراتی)
کاساواي خشك - ۴۱۷۸۱ کونتو
مشتقات ماهی - ۲۵۱۹۷ کونتو
ژاپن: (معادل ۳۷۹۸۲۱ کونتو)
سهم کل صادرات آنگولا - ۴/۹ درصد

محصولات:

سنگ آهن - ۳۶۶۲۰۹ کونتو (۵۶ درصد سنگ آهن صادراتی)
 انگلیس: (معادل ۱۱۸۵۵۶ کونتو)
 سهم کل صادرات آنگولا - ۱۵ درصد

محصولات:

خمیره کاغذ - ۲۲۰۰۰ کونتو
 قهوه - ۳۸۰۰۰ کونتو
 سنگ آهن - ۱۵۷۲۳ کونتو

خریداران دیگر:

درصد	مبلغ بر حسب کونتو	نام
۲/۲	۱۸۷۲۳۱	اسپانیا
۲/۲	۱۷۶۱۲۳	کانادا
۱/۷	۱۳۵۹۰۷	افریقای جنوبی
۱/۲	۱۰۹۲۵۷	گنگوکنیگ شازا
۱/۳	۹۸۳۸۵	بلژیک ولوگزامبورگ
۰/۱۷	۵۴۶۸۲	ایتالیا
۰/۱۵	۴۱۰۱۷	سوئیس
۰/۱۵	۳۷۲۹۱	فرانسه

عرضه کنندگان کالا به آنگولا

پرتغال (۳۱۷۶۵۱۶ کونتو)

سهم مجموع واردات آنگولا - ۳۵/۹ درصد

اقلام وارداتی:

شراب - ۵۳۰۲۹۱ کونتو (تقریباً همه واردات شراب)
 قماش - ۴۳۲۷۲ کونتو (تقریباً همه واردات لباس)
 آهن و فولاد - ۱۷۲۳۴۲ کونتو

لباس - ۱۲۳۳۶۰ کونتو

روغن زیتون - ۹۳۲۴۳ کونتو (همه واردات روغن)

کفش - ۸۱۱۴۳ کونتو

ایالات متحده:

سهم مجموع واردات آنگولا از این کشور: ۱۱/۸ درصد

وسایل نقلیه - ۱۰۵۵۱۳ کونتو

آهن و فولاد - ۷۶۳۵۱ کونتو

مواد غذایی - ۳۹۷۴۰ کونتو

آلمان فدرال:

سهم مجموع واردات آنگولا از این کشور - ۱۱ درصد

اقلام وارداتی

وسایل نقلیه - ۱۸۹۹۹۹ کونتو

آهن و فولاد - ۱۳۵۸۵۷ کونتو

انواع ماشین - ۴۲۵۶۴۳ کونتو

انگلستان:

سهم مجموع واردات آنگولا از این کشور - ۸/۹ درصد

اقلام وارداتی

وسایل نقلیه - ۲۶۵۴۱۱ کونتو

آهن و فولاد - ۳۰۹۱۹ کونتو

انواع دارو - ۹۲۸ کونتو

فرانسه:

سهم مجموع واردات آنگولا از این کشور - ۵/۲ درصد

اقلام وارداتی

مواد غذایی - ۹۸۲۹۶ کونتو

آهن و فولاد - ۱۲۴۳۰ کونتو

۱۲۴۰ کونتو

هتند:

سهم مجموع واردات آنگولا از این کشور - ۳۵ درصد

اقلام وارداتی:

وسایل نقلیه - ۹۸۹۶۲ کونتو

آهن و فولاد - ۳۶۵۲۵ کونتو

عرضه کنندگان دیگر:

۲/۸ درصد	۲۴۹۷۱۷ کونتو	بلژیک ولوگزامبورگ
۲/۵	۲۱۹۹۳۰	آفریقای جنوبی
۲/۵	۲۱۸۴۶۰	ایتالیا
۱/۹	۱۶۶۴۴۱	سوئد
۱/۵	۱۲۷۵۴۲	ایران
۰/۹	۸۲۴۶۱	سوئیس

۵- معاهده استعماری

دادوستد خارجی آنگولا عمدتاً با پرتغال صورت می گیرد. (۳۴) درصد صادرات و ۳۶ درصد واردات) در تحلیل نهایی این یک نمونه کلاسیک از «معاهدات استعماری» است.

از آنجا که پرتغال یک کشور در حال توسعه است صادرات عمده اش شراب، قماش، روغن زیتون و کنسرو ساردین می باشد، یعنی محصولات غیر اساسی که در آنگولا نیز می تواند تولید شود، از این لحاظ وضعیت آنگولا بدتر از مستعمرات دیگر است. این کالاهای پرتغالی از موقعیت انحصاری در مستعمرات برخوردارند و لذا به قیمت های گزافی فروخته می شوند، در آمارهای رسمی به وضوح می بینیم که تمام شراب، قماش و دیگر واردات آنگولا از پرتغال وارد می شود. اما بی شرمانه ترین چپاول در رابطه با آهن و فولاد پرتغال (محصول شرکت Siderurgia Nacional که سرمایه آن متعلق به کرپ است) صورت می گیرد، که قیمت های بی سابقه آن فروش اش را در هر نقطه دیگر جهان غیر ممکن می سازد.

بالاخره باید متذکر شد، از آنجا که پرتغال قادر به استفاده از مواد خام اصلی در خاک خود نیست، آن را به قدرتهای بزرگ می فروشد.

وضعیت پولی - تورم:

در جدول شماره ۲ ضمیمه وضعیت وسایل پرداخت (Means Payments) نشان داده است.

در حالی که در مدت ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸ تولید ناخالص ملی ۱/۲ بار افزایش یافت، وسایل تولید ۳/۲ بار بیشتر شد. خود پرتغالی ها از تورم بحث می کنند.

بمتها پیوسته در حال افزایش اند. چنانچه شاخص بهای خورده - فروشی کالاهای اساسی مورد مصرف را در سال ۱۹۳۸، ۱۰۰ فرض کنیم این رقم در سال ۱۹۶۱ به ۳۳۱ و در سال ۱۹۶۶ به ۴۱۹ رسید. اما این شاخص ها رسمی بوده و بر اساس قیمت های رسمی محاسبه شده اند، اوضاع واقعی وخیم تر از این است.

قیمت ها پیوسته افزایش می یابد، در حالی که دستمزد آنگولایی ها ثابت باقی می ماند، به این ترتیب چه کسی از تورم سود می برد؟ طبیعی است فقط زمانی که استعمار پرتغال با مشکلات جدی مواجه است تورم به میزان خطرناکی می رسد.

۶- موازنه پرداختها:

همان طور که در بخش تجارت خارجی دیده ایم، موازنه پرداختها پیوسته کسری نشان می دهد. اجازه دهید مسئله را دقیق تر بررسی کنیم. در دوره مورد بررسی (۱۹۵۸-۶۸) کل پرداختها معادل ۵ میلیون کونتو کسری نشان داد. به عنوان چاره موقتی این مشکل فرمانداری مستعمره همواره از دولت لیسبون و شرکت های استعماری وام می گیرد. دلایل کسری مزمن پرداختها به ساخت اقتصادی مربوط می شود. موقعی که سرمایه به کار افتاد به شکل سود و بهره، تفاوت قیمت ها و غیره بازمی گردد. در هر حال وضعیت «پشتوانه ارزی» به صدور سودهای حاصله اولویت می دهد.

موازنه پرداخت‌ها بر حسب هزار کوفتو

موازنه	هزینه			درآمد			سال
	جمع	سری	آشکار	جمع	سری	آشکار	
+ ۵۵	۳۲۵۹	۱۰۰۷	۲۲۵۲	۳۳۱۶	۱۴۵	۳۱۶۲	۱۹۵۸
- ۱۹۹	۳۲۳۳	۱۰۴۶	۲۱۸۷	۳۰۳۴	۲۱۵	۲۸۱۹	۱۹۵۹
- ۳۷۹	۳۵۰۸	۹۹۷	۲۵۱۱	۳۱۲۹	۲۹۵	۲۸۳۴	۱۹۶۰
- ۱۳۹	۴۰۰۹	۱۰۲۴	۲۹۸۵	۳۸۷۰	۸۸۸	۲۹۸۲	۱۹۶۱
+ ۲۳۰	۴۲۷۵	۸۸۶	۳۵۸۹	۴۷۰۵	۱۱۷۰	۳۵۳۵	۱۹۶۲
- ۸۸۳	۶۰۰۴	۱۳۱۹	۴۳۸۵	۵۱۲۱	۱۲۸۰	۳۸۴۱	۱۹۶۳
- ۲۵۳	۶۲۸۳	۱۹۶۳	۴۳۲۰	۶۰۳۰	۱۱۹۸	۴۸۳۲	۱۹۶۴
- ۶۲۹	۷۲۸۳	۱۹۷۷	۵۳۰۶	۶۶۵۴	۱۸۳۵	۴۸۱۹	۱۹۶۵
- ۸۶۵	۷۶۷۷	۲۲۹۵	۵۳۸۲	۶۸۱۲	۲۰۲۹	۴۷۸۳	۱۹۶۶
- ۸۹۷	۸۹۵۵	۲۵۱۲	۶۴۴۳	۸۰۵۸	۲۲۷۴	۵۵۸۴	۱۹۶۷
- ۸۵۳	۱۰۵۲۶	۳۲۸۳	۷۲۴۳	۹۶۷۳	۳۴۳۴	۶۲۳۸	۱۹۶۸

هزینه‌های سانه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۶۶، ۱۹۶۸ (بر حسب کونتو)

مورد هزینه	۱۹۶۰	۱۹۶۶	۱۹۶۸
هزینه‌های عادی			
۱- بدهی دولتی آنگولا	۶۴۳۹۷	۲۳۱۵۳۵	۳۰۰۰۸۲
۲- فرمانداری استعماری و اداراتش	۹۲۱۶	۱۲۹۰۴	۲۰۷۰۷
۳- مستمری‌ها	۴۳۰۰۰	۴۶۰۵۶	۵۸۶۰۶
۴- امور عمومی	۳۲۲۳۵۲	۸۰۶۸۴۶	۱۱۴۶۷۱۹
۵- خزانه داری	۸۲۸۰۴	۹۱۱۸۳	۱۱۰۷۱۹
۶- ادارات حقوقی	۲۸۸۱۰	۶۱۸۲۴	۶۸۹۷۸
۷- سرویسهای توسعه	۶۳۸۸۶۹	۱۵۰۳۴۵۱	۲۱۴۱۶۴۵
۸- نیروهای مسلح	۲۱۲۶۰۰	۶۰۶۹۶۶	۸۰۹۹۷۱
۹- نیروی دریائی	۱۳۲۳۹	۲۲۸۱۰	۲۴۵۰۰
۱۰- هزینه‌های عمومی	۴۴۵۲۲۲	۷۹۸۰۸۸	۱۰۶۲۸۰۹
۱۱- هزینه‌های مانده از دوره‌های قبل	۱۵۵۰۰	۵۷۱۷	۹۵۹۱
	۱۸۸۰۰۹	۴۱۸۷۳۷۷	۵۷۷۵۹۴۲
هزینه‌های فوق‌العاده			
۱- طرحهای توسعه		۸۴۲۰۴۱	
۲- هزینه‌های فوق‌العاده دیگر		۱۱۶۳۷۵۷	
۳- جمع	۱۰۶۳۳۶۲	۱۱۶۳۷۵۷	۱۸۹۲۹۰۷
۴- جمع کل	۲۹۵۱۳۷۱	۵۳۵۱۱۳۲	۷۶۴۸۸۴۹

مالیاتیهای اصلی در سال ۱۹۶۸

بر حسب کونتو	مالیاتیها
۵۲۵۲۳۷	عوارض واردات
۳۵۳۲۶۳	عوارض صادرات
۳۱۷۸۳۰	حداقل مالیاتیهای عمومی
۳۱۷۷۵۷	مالیات - تمبر
۲۹۷۸۹۹	مالیات تولید و مصرف
۲۴۳۳۸۱	عوارض عمومی گمرکات
۲۴۲۳۷۲	مالیات مصرف تولیدات نفتی
۲۳۲۳۲۹	سهم منافع دیامانگک
۲۰۰۰۰۰	مالیات فوق العاده برای دفاع از آنگولا
۱۷۳۳۵۹	عوارض صنعتی
۱۶۶۳۳۲	مالیات تولید و مصرف آبجو
۱۶۴۷۲۹	مالیات مکمل
۱۰۴۲۰۱	مالیات شغل
۷۲۵۰۰	مالیات تمبراسکان
۶۸۸۴۰	مالیات بر اموال شهری
۵۹۸۵۹	مالیات بر سرمایه
۵۰۵۵۰	مالیات بر درآمد

۷- بودجه:

گزارش مالی آنگولا در سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۶۲، ۱۹۶۸ ارقام زیر را نشان می دهد.
گزارش مالی آنگولا (بر حسب کونتو)

۱۹۶۸	۱۹۶۶	۱۹۵۲	۱۹۶۰	
۶۳۲۵۷۸۸	۲۲۸۹۰۰۷	۲۴۵۹۵۲۸	۱۹۶۶۹۳۴	درآمد عادی
۱۷۲۵۳۰۹	۱۱۶۱۳۵۷	۹۱۱۱۹۲	۷۶۳۸۶۳	درآمد فوق العاده
۸۰۷۱۰۹۷	۵۶۵۰۴۳۴	۳۳۷۰۷۲۰	۲۷۳۰۷۹۷	درآمد کل
۵۷۵۵۹۴۲	۴۱۸۷۳۷۷	۲۰۹۹۴۱۰	۱۸۶۹۷۸۸	هزینه معمولی
۱۸۹۲۹۰۷	۱۱۶۳۷۵۷	۹۲۸۳۶۷	۷۶۲۲۲۲	هزینه فوق العاده
۷۶۴۸۸۴۹	۵۳۵۱۱۳۴	۳۰۲۷۷۷۷	۲۶۳۳۰۰۷	هزینه کل
۴۲۲۲۴۸	۳۴۲۳۰۰	۳۴۲۹۴۳	۹۷۷۹۰	مانده بستانکار

از نظر سالانوار است ها در گزارش مالی مستعمرات همیشه باید باقی مانده وجود داشته باشد، در حالی که معمولاً در مستعمرات دیگر که در آنها قدرت استعماری در بخشی از هزینه های عمومی کمک مالی می کند، چنین نیست. مانده های بستانکار از سال ۱۹۳۲ صرف جنگ و طرح های به اصطلاح توسعه شده است.

می بینیم که در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸ هزینه کل ۲/۹ بار بیشتر شده، در حالی که تولید ناخالص ملی ۱/۲ بار افزایش یافته است و این بدین معنی است که درصد بودجه کل تولیدات پیوسته افزایش می یابد. در بخش درآمدها به اصطلاح «حداقل مالیات عمومی» به نحو برجسته ای در مقام سوم قرار می گیرد. این همان «مالیات محلی» سابق است که واقعیت تعویض نام آن خصیلت شدیداً استثماری اش را تغییر نمی دهد.

نکته جالب توجه دیگر، با اصطلاح «مالیات برای دفاع از آنگولا» که مقدار آن به دو هزار کونتو در سال می‌رسد و نیز «مالیات تمیر اسکان» (مالیات اسکان که بوسیله تمیر مالیات برای تأمین اسکان سقیم پوستان پرداخت می‌شود). می‌باشد. ملاحظه می‌شود که اهمیت فوق‌العاده مالیات‌های غیرمستقیم بار پرداخت مالیات را بردوش تمامی ساکنان کشور و در درجه اول افریقائیان می‌گذارد. باید بیاد داشت که در دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸ هزینه‌های نظامی ۳/۸ برابر، هزینه‌های اداری ۳/۵ برابر و هزینه‌های عمومی ۲/۳ برابر افزایش یافته‌اند.

از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸، در برابر افزایش معادل ۶ درصد در سال به هزینه‌های نظامی در سراسر جهان و ۷/۵ درصد در کشورهای توسعه نیافته این مورد آنگولا حدود ۱۷ درصد افزایش داشته است.

کاملاً روشن است که هزینه‌های نظامی واقعی بمراتب بیشتر از آنست که پرتغالی‌ها اظهار می‌کنند. مثلاً «هزینه‌های فوق‌العاده دیگر» به نیروهای مسلح اختصاص دارد. بخش اساسی از هزینه‌های «اداره امور عمومی»، «هزینه‌های عمومی»، «ادارات توسعه» و «طرح توسعه»، هزینه‌های نظامی است (یا هزینه‌های ماهیتاً نظامی)، چه برای ارتش و P.I.D.E (پلیس سیاسی) و چه برای U.P.V.D.C.A (میلشای مهاجرین) بنحوی که ماتخمین می‌زنیم بودجه نیروهای مسلح به دو میلیون کونتو برسد.

اما این تمام واقعیت نیست، زیرا جنگ آنگولا هم با بودجه پرتغال و هم با بودجه آنگولا پشتیبانی می‌شود و از این لحاظ بودجه پرتغال سهم بیشتری دارد.

پرتغالی‌ها حتی این زحمت را بخود نمی‌دهند که هزینه آموزش و بهداشت را اعلام نمایند، زیرا واقعاً مقدار آن ناچیز است.

بدهی دولتی ۶ میلیون کونتو است. این بدهی بدون رضایت مردم آنگولا، بخاطر تدارک جنگ علیه آنان، بوجود آمده اما آیا می‌توان تصور کرد که بعد از استقلال این وام بازپرداخت گردد.

۸- منابع مالی بین‌المللی و شرکت‌های استعماری

جدول زیر نام شرکت‌های عمده بخش اقتصادی که آنها در آن فعالیت

می کنند و وابستگی آنها به انحصارات بین‌المللی و پرتغالی را نشان می‌دهد.

بخش‌ها	شرکتها	انحصارات
	کشاورزی	
قهوه	Companhia Angolana de Agricultura (CADA) با ۶۰ هزار هکتار زمین و ۱۱۰۰۰ کارگر Companhia Agricola de Angola Companhia Agricola de Cazengo Mario Cunha Limitada Marques Seixas Limitada	Banque Rallat
کنف	Kai von Ahlefeldt (German settler) با ۱۱۰۰۰ هکتار زمین Berman Opelana H. I. Jessen (of Hamburg) Companhia do Assucar de Angola Sociedade Agricola de Cassequel	German interests Barton Mayhew (Britain)
پنبه	Companhia do Algodao de Angola (COTONANG) Lagos & Irmao Mota & Irmao	Société Générale de Belgique
شکر	Companhia ed Assucar de Angola Companhia Agricola de Cassequel Chibeira	Barton Mayhew
درخت الواری	Companhia de Cabinda Jomar	CUF and Banco de Angola

بخش‌ها	شرکت‌ها	اخصارات
دامداری	Uniao Comercial de Automoveis Companhia Agricola de Pecuaria de Angola (CAPA) با ۳۰۰۰۰ رأس گاو Companhia de Mocamedes (30,000 head of cattle)	American capital Banco Pint & Sottomayor
شیلات	Companhia da Baia Farta Unipesca Aran	Société d'Expansion Commetciale Uniao Comercial de Automoveis and American Standard Oil Banco Portuges do Atlantico
صنایع استخراجی		
الماس	Companhia de Diamantes de Angola (DIAMANG)	De Beers Morgan Bank Société Générale de Belgique Ryan-Guggenheim
	Companhia de Petroleos de Angola (PETRANGOL) Cabinda Gulf Oil Company Angola	Petrofina بلژیکی Gulf Oil امریکائی CFP فرانسوی
سنگ آهن	Companhia Mineira do Lobito Companhia do Manganes de Angola	Krupp آلمانی Bethchem capital آمریکائی
صنایع تولیدی		

بخش	شرکت‌ها	انحصارات
مواد غذایی	SOFRIO Empresa de Lacticinios de Angola Carlo	Portuguese and German capital Nestlé سوئسی سرمایه ایتالیایی
نوشابه سازی	Companhia de Cervejas de Angola (CUCA) SINALCO Coca - Cola NOCAL	Banco Portugues do Atlantico سرمایه آلمانی سرمایه آمریکایی Banco Espirito Santos
توتون کاری	Fabrica Ultramaina de Tabacos de Angola (FTU) ETA	Campanhia de Tabacos de Portugal Universal Leaf and Continental Tobacco
	TEXTANG	
خمیر کاغذ	Companhia de Celulose do Ultramar Portugues	Banco Espirito Santos
مشتقات نفت	PETRANGOL	Petrofina
سیمان	Companhia de Cimento de Angola	
روغن نباتی	INDUVE CONGERAL	CUF Société Générale de Belgique
لاستیک سازی	MABOR	General Tyre امریکایی

بخش‌ها	شرکت‌ها	انحصارات
نیروی برق		
	SONEFE Hidroeléctrica de Alto-Catumbela	سرمایه پرتغالی و آلمانی سرمایه پرتغالی و انگلیسی
بازرگانی		
بازرگانی صادرات و واردات	Casa Americana Robert Hudson & Sons Mota & Irmao Sociedade Luso - Alema Uniao Comercial de Automoveis Casa Inglesa Auto - Sul	American group British group Portuguese group German group Standard Oil group British group Japanese group
بانک ناشر اسکناس	Banco de Angol	Banco do Atlantico
بانک تجاری	Banco Comercial de Angola Banco de Credito Comercial e Industrial Banco Totta - Standard Banco Pinto & Sottomayor	Banco do Atlantico Banco Borges & Irmao Standard Bank of South Africa and Banco Totta (Portuguese) Banco Pinto & Sottomayor
حمل و نقل		
راه آهن	Companhia do Caminho de Ferro de Benguela Companhia do Caminho de Ferro do Amboim	Tanganyika Concessions انگلیسی CUF/CONGERAL
خطوط هوایی	Divisao dos Transportes Aéreos (D.T.A.)	Transpotes Aércos Portugueses (TAP)

شرکت‌های جدید

فراخوان پرتغال برای غارت، همه کلاهبردار بین‌المللی را به آنگولا کشانده‌است. مکرراً، اخباری در رابطه با تشکیل شرکت‌های جدید یا انعقاد «قراردادهای همکاری» که استثمار منابع گوناگون بخصوص منابع معدنی را هدف قرارداده‌اند، وجود دارد. امریکائی‌ها، خصوصاً در این «تقلا برای دست یافتن به شیرینی» فعالند.

لیست زیر اگرچه نا کافی است، نمونه‌ای از میزان نفوذ اخیر امپریالیستی در بخش معدنی را نشان می‌دهد. این شرکت‌ها هنوز در مرحله اکتشاف فعال قرار دارند.

: الماس

Diversa Incorporated (امریکائی)

(تحت نظارت Diamond Corporation آفریقای جنوبی) Dinanco

(وابسته به Diamond Distributors امریکائی) Oestdiam

: نفت

(وابسته به تکزاکو امریکائی) Texaco Petroleos de Angola

(امریکائی) Mobil Oil

(آفریقای جنوبی) General Mining and Finance

: گوگرد

(امریکائی) Tenneco - Oil

: اورانیوم

(آلمان فدرال) Uranggesellschaft mbh undco.' K. G.

: فسفات

Companiha dos Fosfatos Angola

: سنگ آهن

Sociedade Mineira de Angola

: مس

Nippon Mining Company (ژاپنی)

Sociedade de Exportações Mineras de Angola

(زیر نظر مؤسسه‌ای، آفریقای جنوبی، انگلیسی، امریکائی و انگلیسی- امریکائی)

: بوکیست

Aluminio Portugues (وابسته به Pechiney فرانسه)

درآمد ملی:

اطلاعات جدیدی درباره درآمد ملی یا تولید ملی آنگولا وجود ندارد. ولی تخمین زده میشود که تولید ناخالص ملی سال ۱۹۷۰ حدود ۳۵ میلیون کونتو باشد. یعنی ۲۰۰ دلار بازاه هر یک نفر، با وجود این باید یاد داشت که روشی که پرتغالی‌ها با آن حساب‌های ملی‌شان تنظیم می‌کنند سخت سؤال برانگیز است. آنها همچنین، آشکارا در وضعیتی دفاعی قرار گرفته‌اند و قصد دارند، بهر قیمت، تصویری از آنگولای در حال پیشرفت به جهان ارائه دهند.

در هر صورت آنچه که اهمیت دارد توزیع درآمد ملی است. چنین تخمین زده میشود که ۲۶ درصد آن صرف آنگولائی‌ها و ۷۴ درصدش نصیب مهاجرین و شرکت‌های استعماری می‌شود

اقتصاد و جنگ:

در الجزایره استعماری، از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸، تولید ناخالص داخلی نرخ سالانه‌ای معادل ۷ درصد، نشان داد، و بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۴، ۲/۳۱ برابر شد. تولید نفت از یک میلیون تن در سال ۱۹۵۹ به ۲۱ تن در سال ۱۹۶۲ رسید. قیمت صادرات از ۸ هزار میلیون فرانک در ۱۹۵۹ به ۲۱۳ هزار میلیون فرانک در سال ۱۹۶۳ افزایش یافت و «طرح کنستانتین» به اجرا درآمد.

لذا دلیلی برای تعجب از این مسئله وجود ندارد که پروسه مشابه‌ای در آنگولا و موزامبیک فرا می‌رشد. این درس‌هاست امپریالیسم است که در پی اجتناب از جنبش مسلحانه دهائی بخش ملی باشد.

با وادار ساختن انحصارات بزرگ به شرکت در استثمار شتاب یافته

منابع استثماری فاشیسم پرتغالی اهدافی از این قبیل را دنبال میکند:

- ۱- غارت همه چیز تا وقت باقی است.
- ۲- درگیر ساختن همه کشورهای امپریالیستی بنحوی که حمایت اقتصادی، سیاسی و (خصوصاً) نظامی آنها را بدست آورد.
- ۳- کسب حداقل اندوخته مالی کافی برای جبران هزینه‌های روبه افزایش نظامی.

- ۴- کسب مصالحتی که بوسیله آن رفرم‌های کوچکی، بامید عبث تضعیف پایه‌های سیاسی - اقتصادی جنبش‌های رهایی بخش یا حداقل کند ساختن پیشرفت آنها، صورت دهد.

اما مسلم است، درست همانطور که چنین مانورهای نتوانستند مانع الجزایر برای آزاد شدن باشند، نخواهند توانست تلاش‌ها و عزم راسخ خلق آنگولا را خنثی نمایند. واقعیت اینست که انگیزه‌های مبارزه رهایی بخش عمیق‌تر از آنند که استعمارگران فکرمی‌کنند. این انگیزه‌ها را باید در همان ماهیت امپریالیسم و تحقیر مقام انسانی یافت. علاوه، توسعه اقتصادی در چارچوبی استعماری فقط نابرابری در توزیع درآمد را افزایش میدهد. سیستمی که فاشیستهای پرتغالی بکار گرفته‌اند، از آنجا که فقط بخش ناچیزی از منافع فوق‌العاده استعماری را بدست می‌آورند، محکوم به شکستی هولناک است. آنها نه‌قدر به تدارک مالی جنگ خواهند بود (پرتغالی‌ها هم اکنون بدهی سنگینی دارند) و نه خواهند توانست هیچ رفرم دروغینی را بانجام برسانند. آنها به نتایج کاملاً معکوسی دست خواهند یافت، زیرا پرتغال، در جهت يك مستعمره محض برای قدرتهای بزرگ، روبانحطاط است.

همچنین باید تأکید نمود که بخشهایی وجود دارند که هیچگونه پیشرفتی ندارند. کشاورزی و خصوصاً بخش غیر پولی اش و به‌مراه آن بعضی از تولیدات عمده از قبیل ذرت و کاساوا در حال سقوط‌اند. محصول سرانه مواد غذایی بطور مداوم سقوط می‌کند. این وضعیت نه‌فقط از استفاده مداوم از نیروی کار (در معادن و کشتزارها) یا فقدان بازار برای محصولات کشاورزی، بلکه همچنین ویش از همه عوامل از ایجاد «دهکده‌های استراتژیک» که با انتقال دهقانان از زمین‌هایشان، موجب يك سقوط آشکار در تولید کشاورزی سنتی شده است نیز، ناشی میشود.

در این بررسی ما به چند ویژگی عارضی و ضمیمت‌جنگی، تورم، افزایش
بدهکاری و رشد سریع‌تر بودجه نسبت به تولید اهمیت دادیم که باید تورم
در بخش سوم را (که طبق آمارهای پرتغالی‌ها ۷۲/۱ درصد تولید ناخالص
داخلی را در اختیار دارد) نیز بآن اضافه کنیم. همه این ویژگی‌ها تصویری
از توسعه‌ای را ارائه می‌دهد که بسیار انگلی، مصنوعی و غیرتولیدی است.
اما ما می‌توانیم مطمئن باشیم که زمانی فرا خواهد رسید که مبارزه
مسلحانه توده‌ای با اطمینان اقتصاد استعماری را فرو خواهد نشاند.

توضیحات

- ۱- در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۸، S,A,M و M,P,L,A طی يك حمله هوایی دشمن به پایگاههای هوایی ما در منطقه موکزیکو با ضایعه بزرگ از دست دادن دکتر امریکو بوآویدا A Boavda، رهبر SAM، در ناحیه سوم مواجه شدند.
- ۲- کنفرانس مطبوعاتی دبیر کل هیلا در برازاویل در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۶۸.
- ۳- مجله آلمانی در اشپیگل شماره ۴۴ سال ۱۹۶۹.
- ۴- توریستهایی که به پرتغال می‌روند به تدارک مالی جنگ استعماری کمک می‌کنند.
- ۵- بصورت کالا و جنس.
- ۶- بزرگترین و مجهزترین بیمارستانها با بیش از ۳۰۰ تخت.
- ۷- Anuario Statístico و Volume II 1966
- ۸- مجله آلمانی در اشپیگل شماره ۴۴ سال ۱۹۶۹.
- ۹- در هر حال، نویسنده مقاله خودش را فریب نداده و این رقم را بین ۱۵ تا ۲۰ درصد تخمین زده است.
- ۱۰- مثلاً در مقاله در اشپیگل که فوقاً بآن اشاره شد آمده است فقط ۴/۵ درصد دانشجویان افریقائی در دانشگاه Lourenco Marques در موازایك تحصیل میکنند.

UN Document A/AC1/09/LS38/Add. 1 of 31 - ۱۱

March 1969

۱۲- همانجا.

۱۳- سخنرانی فرماندار کل سابق آنگولا، سیلوریومار کدز در لیسبون که در روزنامه Provincia de Angola در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۶۷ چاپ شد.

۱۴- سازمان ایالتی داوطلبان دفاع غیرنظامی دفاع ال آنگولا.

۱۵- ریز وانثورا در روزنامه Provincia de Angola در تاریخ

۲۱ آوریل ۱۹۶۸.

۱۶ و ۱۷- مراجعه شود به شماره UN Document A/AC.

109/L538/Add

Comerico 14 June 1968 - ۱۸

Annuario Estatistico de Angola 1966 - ۱۹ و ۲۰

۲۱- الماس صادر شده به پرتغال دوباره به انگلیس صادر می شود.

جدول ۱ ضمیمه
سرمایه گذاری‌ها

برنامه دوم
۱۹۵۹-۶۲

برنامه سوم
۱۹۶۵-۶۷

برنامه سوم

عنوان	جمع	میانگین سالانه	جمع	میانگین سالانه	جمع	میانگین سالانه
	بر حسب هزار کورنو	% بر حسب هزار کورنو	بر حسب هزار کورنو	% بر حسب هزار کورنو	بر حسب هزار کورنو	% بر حسب هزار کورنو
۱- کشاورزی	۱۰۳۷	۲۲/۱	۱۷۳	۸/۸	۲۱۰	۹/۰
۲- شیلات	۱۰۰	۲/۱	۱۷	۵/۱	۱۲۳	۲/۱
۳- صنایع استخراجی	۲۰	۰/۶	۵	۲/۱	۵۰	۲۶/۷
صنایع تولیدی	-	-	-	۲۶/۶	۶۳۹	۱۳/۲
۴- توسعه روستایی	۱۰۰	۲/۱	۱۷	۱/۸	۴۲	-
۵- نیرو	۲۷۳	۵/۸	۲۵	۱/۸	۲۸۳	۵/۶
۶- بازرگانی	-	-	-	-	-	-
۷- حمل و نقل و ارتباطات	۲۲۳۹	۴۷/۵	۳۷۳	۳۶/۸	۶۴۳	۱۲/۵
۸- خانه سازی	-	-	-	۱/۸	۳۳	۰/۸
۹- توریسم	-	-	-	۰/۳	۸	۰/۲
۱۰- آموزش و تحقیقات	۲۶۰	۹/۸	۷۷	۱۱/۱	۲۶۶	۵/۶
۱۱- بهداشت	-	-	-	۳/۵	۸۳	۱/۶
۱۲- اتکان	۲۵۵	۹/۶	۷۶	-	-	-
۱۳- سرمایه گذاری‌های دیگر	۲۰	۰/۴	۳	۰/۳	۱۰	-
جمع کل	۲/۷۱۲	۱۰۰/۰	۷۸۵	۸/۲۱۰	۲/۷۰۳	۱۰۰۰
					۲۵/۰۲۵	۲۱۷۲

جدول ۲ ضمیمه

(وضعیت در ۳۱ دسامبر) وسائل پرداخت

	۱۹۶۰	۱۹۶۲	۱۹۶۶	۱۹۶۷	۱۹۶۸			
	(بر حسب	(بر حسب	(بر حسب	(بر حسب	(بر حسب			
%	هزار کونتو)	%	هزار کونتو)	%	هزار کونتو)			
وسائل پرداخت	۳ ۵۰۲	۹۹	۵ ۲۵۲	۹۸/۲	۷ ۰۵۲	۹۴/۵	۷ ۷۴۳	۹۰/۱
پول در گردش	۱ ۰۰۰	۲۸	۱ ۴۹۶	۲۸/۰	۱ ۷۲۹	۲۴/۳	۱ ۷۰۴	۱۹/۸
موجودی عندالمطالبه	۲ ۵۰۲	۷۱	۳ ۷۵۶	۷۰/۲	۵ ۳۱۴	۷۱/۲	۶ ۰۳۹	۷۰/۳
: نیمه بلاواسطه	۳۷	۱	۹۷	۱/۸	۴۱۴	۵/۵	۸۴۹	۹/۹
قابل استفاده در کوتاه مدت	۳۷	۱	۹۷	۱/۸	۴۱۴	۵/۵	۸۴۹	۹/۹

جمع

۵ ۳۴۹ ۱۰۰/۰ ۶ ۴۶۶ ۱۰۰/۰ ۸ ۵۹۲ ۱۰۰/۰ ۱۱ ۴۶۶ ۱۰۰/۰



باز تکثیر از: سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا
هواداره: «سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران»